

## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در ارتباط با مرگ کارگران معدن زغال سنگ زمستان یورت

بنا به گزارش های منتشر شده در پی وقوع انفجار در معدن زغال سنگ زمستان یورت در حومه آزادشهر در استان گلستان، که در حدود ساعت ۱۲ ظهر روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت روی داد، ده ها تن از کارگران این معدن بر اثر ریزش تونل جان خود را از دست داده، زخمی شده یا در اعماق زمین گرفتار شده اند. بر پایه آخرین گزارش ها تاکنون پیکر بی جان ۲۲ کارگر از زیر آوار بیرون آورده شده اند و چندین نفر دیگر همچنان در زیر زمین مدفون هستند. برخی شاهدان عینی شمار کارگرانی را که در این واقعه جان خود را از دست داده اند بیش از ۳۰ نفر اعلام کرده اند. بنا به گزارش ها نارسائی دستگاه تهویه ۲۴ ساعته معدن باعث جمع شدن گاز در فضای معدن شده و هنگامی که کارگران می خواهند موتور دیزل از کار افتاده را تعمیر و دوباره روشن کنند، در اثر یک جرقه، و به علت تراکم گاز انفجار رخ می دهد.

این انفجار مرگبار در حالی روی داده است که بنا به گفته حسن هفده تن معاون روابط کار و وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی رژیم جمهوری اسلامی سالانه هزار و ۸۴۰ نفر در اثر حوادث ناشی از کار در کشور فوت می کنند، حدود ۱۱ هزار نفر در کشور در اثر آلاینده های ناشی از کار دچار بیماری می شوند و حدود ۲۶ هزار هم قطع عضو می شوند. معاون روابط کار و وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی رژیم در حالی این آمارها را اعلام می کند که بسیاری از حوادث محیط کار به اداره کار گزارش داده نمی شود و در جایی ثبت نمی گردند.

حقیقت این است که حوادث و مخاطرات ناشی از کار، عدم ایمنی شرایط کار، مرگ ظاهرا تصادفی و بیشمار، از کارافتادگی ها، نقض عضو، انواع بیماری های مهلک ←



## موقعیت کنونی جنبش کارگری ایران



## اعتراضات اول مه ۲۰۱۷: یک ارزیابی مختصر

یاد کارل مارکس برای همیشه جاودانه است!



## پیام انتخابات فرانسه

ان جی اها و نقش و اهداف آنها



تاکتیک مشترک بایکوت انتخابات در کردستان  
و دغدغه "چپ"ها

هلمت احمدیان

## تاکتیک مشترک بایکوت انتخابات در کردستان و دغدغه "چپ"ها

در ارتباط با برخی سازمان‌هایی که به نام چپ و کمونیسم فعالیت می‌کنند، علیرغم ملاحظات جدی که روی برنامه و خط مشی سیاسی و استراتژی آنها داریم، علیرغم اینکه پیشینه سیاسی بعضی از آنها را در سازش با این یا آن جناح بورژوازی، حتی در مورد احزاب سیاسی کردستان در این یا آن مقطع، از خاطر نبرده ایم، اما با وجود همه اینها همکاری و هماهنگی با آنها را در خدمت تغییر توازن قوا به نفع جنبش کارگری و جنبش‌های پیشرو، ضروری دانسته‌ایم و بدان اقدام کرده ایم. ما این سیاست خود را از بدو تاسیس حزب کمونیست ایران در برنامه خود نیز گنجانده ایم: «حزب کمونیست ایران از هر مبارزه آزادیخواهانه و حق طلبانه‌ای بر علیه جمهوری اسلامی و هر جنبشی که پیگیرانه خواهان رفع و از میان برداشتن اشکال مختلف تبعیضات جنسیتی، مذهبی، ملی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد پشتیبانی می‌کند. حزب کمونیست ایران در هر مبارزه، حرکت اجتماعی و نهاد سیاسی که بخشا اهداف سیاسی اعلام شده آن را برآورد و امکان دسترسی جنبش و نیروهای کارگری و سوسیالیستی را به اهرم‌های قدرت سیاسی در جامعه فراهم نماید، فعالانه مشارکت خواهد کرد». (از برنامه حزب کمونیست ایران).

### سیاست بایکوت "انتخابات" در کردستان

آنچه در روزهای اخیر برای هماهنگی نیروهای سیاسی در کردستان در مقابل انتخابات فرمایشی رژیم انجام گرفته است، منطبق بر سیاستی مدون با مضمون پیشرو و راهگشا در کردستان است. این سنت، سابقه تاریخی دارد و اولین بار در سال ۱۳۵۸ در قالب "هیات نمایندگی خلق کرد" با شرکت کومه‌له و حزب دمکرات کردستان و سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران و شیخ عزالدین حسینی پیش رفت.

تغییر شرایط در سال‌های بعد و جنگ دمکرات و کومه‌له و انشعاباتی که در کومه‌له و حزب دمکرات پیش آمد، طبعاً سیاست همکاری نیروهای سیاسی در کردستان را به طور عملی به حاشیه راند، ولی نفس ضرورت آن را در چارچوب ویژگی‌های جامعه کردستان

بایکوت دسته جمعی نمایش انتخاباتی رژیم از طرف سازمان‌ها و احزاب کردستان ایران این سؤال را برای بعضی از افراد و نیروهای سیاسی چپ به میان آورده که آیا اتخاذ این سیاست و تاکتیک بایکوت جمعی این باصطلاح انتخابات، با اهداف و استراتژی کومه‌له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)، همخوان است یا نه؟ گفته می‌شود کومه‌له با این اقدام، با توجه به سیاست‌ها و استراتژی‌های متفاوتی که این نیروها در کردستان دارند، مرزی بندی با بعضی از این نیروها که در همسویی با کارزار "تغییر رژیم" و در راستای همسویی با آمریکا و اسرائیل به تحریم "انتخابات" پیوسته اند، مخدوش کرده است!

در این نوشته کوتاه، ضمن اینکه توضیح داده می‌شود که انتخاب این تاکتیک از طرف کومه‌له نه سیاستی تازه، بلکه از مصوبه کنگره‌های کومه‌له پشتوانه می‌گیرد و از نظر تاریخی در جنبش کردستان تازگی ندارد، به این نکته هم پرداخته می‌شود که این ملاحظات یا انتقادات "رادیکال" که از بیچ و خم‌های مبارزه واقعی و طبقاتی بدور است، اگر احياناً تاکنون از جانب کومه‌له عملی می‌شد، جز منزوی بودن جریان کمونیستی، در کردستان پی‌آمدی نداشت و امروز نمی‌توانستیم از پایگاه اجتماعی جریان سوسیالیستی در جامعه کردستان سخن بگوئیم. و کومه‌له‌ای داشتیم با مجموعه‌ای از شعارها و سیاست‌های به اصطلاح رادیکال، اما منزوی و بی‌ربط به کشمکش‌های واقعی درون این جامعه.

لازم به توضیح است در این نوشته من نخواسته‌ام که به ادبیات نازلی که در فضای مجازی از طرف بعضی از افراد در این رابطه بکار گرفته شده است پاسخ دهم، بلکه بیشتر خود را ملزم به توضیح سیاست‌مان در این رابطه دیده‌ام.

کومه‌له در کردستان و نیز حزب کمونیست ایران به عنوان یک جریان سراسری، تلاش کرده‌اند که هم در رابطه با احزاب سیاسی چپ و هم در رابطه با مسائل واقعی جامعه، روحیه و گرایش سکتاریستی را از خود دور کنند. مصالح عمومی جنبش کارگری و جنبش‌های پیشرو اجتماعی، اولویت و قطب‌نمای حرکت این جریان بوده است. به عنوان مثال:

ناشی از شرایط غیر بهداشتی محیط کار تنها جلوه‌هایی از رفتاری است که تولید سرمایه داری در حق کارگر می‌کند. روشن است که برای پایان دادن به این مصائب در ایران، باید نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی را از بیخ و بن برانداخت. برای آنکه توده‌های انسانی قربانی کار و تولید سرمایه‌داری نباشند باید به حاکمیت سرمایه‌داری بر کار و تولید اجتماعی پایان داد. باید حکومت کارگران و مسائل تولید را از دست سرمایه داران خارج کند، تا پروسه تولید اجتماعی، را واقعاً به پروسه‌ای انسانی و آگاهانه تبدیل نماید که نه تنها انسان‌ها قربانی‌اش نباشند بلکه تماماً در خدمت رفاه، پرورش استعدادها و ساختمان زندگی انسان‌های آزاد و برابر قرار گیرد.

اما تا زمانی که نظام سرمایه داری حاکم است، تا وقتی که منطق سرمایه‌داری حکم می‌کند و کارگران از شرایط و حقوق انسانی خود محروم هستند، تنها راه مقابله با وضعیت موجود در همه جا همان اتحاد و نیروی طبقاتی متشکل و آگاه طبقه کارگری است که می‌خواهد این نظام ضد بشری را به گور سپارد. در زمینه‌ی کاستن از مخاطرات و صدمات و قربانیان کار و تولید سرمایه‌داری و تضمین ایمنی و بهداشت محیط کار و پرداخت خسارت به کارگرانی که در اثر این سانحه‌ها لطمه می‌بینند، نیز باید نیروی متحد و متشکل کارگران به حرکت در آید و مطالبات عاجل و فوری طبقه کارگر را به کارفرمایان و دولت حامی آنها تحمیل کند.

حزب کمونیست ایران ضمن ابراز انزجار از بی‌توجهی کارفرمایان و رژیم جمهوری اسلامی که عامل اصلی این فجایع انسانی و مرگ کارگران معدن زغال سنگ زمستان یورت هستند، به خانواده و بستگان این عزیزان و به همکارانشان در معدن زغال سنگ زمستان یورت و به همه کارگران ایران صمیمانه تسلیت می‌گوید. تردیدی نیست که مردم شریف و زحمتکش این منطقه مراسم یادبود کارگران جانباخته و همدردی با بستگان این عزیزان را به کانون اتحاد و همبستگی و ابراز انزجار علیه وضع موجود تبدیل می‌کنند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۴ آوریل ۲۰۱۷

۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶



هر جنبش اجتماعی این تنها گرایش و گزینه کمونیستی و سوسیالیستی نیست که عمل می‌کند، بلکه گرایشات بورژوازی، ناسیونالیستی، فمینیستی، لیبرالیستی، تریدیونیونیستی و ... نیز پای به پای گرایش رادیکال در صحنه هستند. کسانی که در جریان قیام مردم تبریز شرکت کمونیست‌ها در مبارزه بر علیه رژیم تازه تاسیس اسلامی را به بهانه حضور جریان "خلق مسلمان" در آن غلط می‌پنداشتند، کسانی که از ترس اینکه در جنبش کارگری تنش‌ها به تن سندیکالیست‌ها و رفرمیست‌ها نخورد، در جنبش‌های زن، تنش‌ها به تن فمینیست‌های لیبرال نخورد، در جنبش کردستان تنش‌ها به تن ناسیونالیست‌ها نخورد و ...، کمونیست‌ها را از اتخاذ تاکتیک‌های مشخص سیاسی در راستای استراتژی آن جریان منع می‌کنند، در واقع با این "رادیکال" نمایی خویش تنها عرصه را برای این گرایشات غیر کارگری و لیبرالی خالی می‌کنند. این گرایش و نگرش علیرغم ظاهر چپ و رادیکال انتزاعی با این نگرش محدود نگرانه خویش، اگر راست هم نباشد به قطب راست جامعه کمک می‌کند.

در کردستانی که جنبش آن با سنت ناسیونالیسم کرد عجین شده بود، کومه‌له در چند دهه گذشته، نه در موضع اپوزیسیون، بلکه به عنوان نیرویی راهبر و کمونیست، تنها نیرویی است که در مقابل دولت‌های سرکوبگر منطقه، در مقابل ناسیونالیسم کرد، در مقابل ناسیونال - لیبرالیسم چشم براه کمک قدرت‌های امپریالیستی، پیگیرانه ایستاده است. این رادیکالیسم اتفاقاً در دو دهه گذشته که یاران قدیمی مان به بهانه "آلوده بودن" کومه‌له، "عطایش را به لقایش بخشیدند" و به این اعتبار رسالت ما را برای دفاع از سنت کومه‌له کمونیست بیشتر کردند، بیشتر از هر زمانی درخشیده است. کسانی که نیرو و حضور کومه‌له را به "اردوگاه داری" و "منتظر نشستن در نوار مرزی" محکوم می‌کنند، یا نمی‌بینند یا خود را به ندیدن می‌زنند که اتفاقاً این در داخل کردستان و در شهرها و روستاها و مراکز کارگری آن جامعه است که کومه‌له به عنوان جریان اصلی سوسیالیست و رادیکال، پرچمدار مبارزه‌ای رو در رو با رژیم و سرمایه داری است.

\*\*\*

### یک نقل قول

لنین در کتاب "بیماری کودکی چپ روی در کمونیسم" جمله مشهوری دارد که آوردن آن در انتهای این مطلب مفید است: «پیروزی بر دشمنی نیرومند تر از خود، فقط در صورتی ممکن است که به منتهی درجه نیرو بکار برده شود، و از هر «شکافی» در

ادبیات سیاسی کومه‌له در مقابل این سیاست‌ها و جهت‌گیری‌ها، انتقاد از آنها، روشن‌گری در باره آنها، همواره شفاف بوده و این **مرزبندی‌ها در صدها مقاله و مصاحبه سخنگویان کومه‌له خود را نشان داده است.**

این امری مشخص است که بایکوت انتخابات رژیم و حرکت به سوی انتخاب واقعی توده‌های مردم، یعنی سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی به اتکا به نیروی مستقل خود، بیشتر از هر گرایش سیاسی دیگر، گفت‌مان و سیاست کمونیست‌هاست. پیشبرد این سیاست در اتخاذ یک تاکتیک سیاسی واقعی و عملی است که محک می‌خورد، نه در واری پرونده‌های نیروهایی که با انگیزه‌ها و نگرش‌های مختلف به این سیاست می‌پیوندند.

### کومه‌له کجا ایستاده است؟

اگر اتخاذ سیاست کومه‌له در مورد همکاری احزاب سیاسی در کردستان امری تازه نیست و آنچه در روزهای اخیر حول همکاری نیروه‌ها بر علیه مضحکه انتخابات رژیم تنها بندی از سیاستی روشن و جا افتاده است، اما دغدغه و گرایش تراشی‌های بعضی از افراد و نیروه‌های چپ هم در این رابطه امری تازه نیست. این نگرشی انتزاعی است که هر از چند گاه و هر بار به بهانه‌ای گرایش تراشی‌های سطحی و کم‌مایه را ارائه می‌دهد و فغان «امتیاز» بخشیدن کومه‌له به ناسیونالیسم کرد و نیروه‌های وابسته را سر می‌دهد. "توده‌ای‌ها" و "اکثریتی‌ها" در سال‌های اول بعد از انقلاب، کومه‌له را عامل پالیزبان و امپریالیسم می‌نامیدند، در دوران انشعاب "کمونیسم کارگری" از حزب کمونیست ایران، شعار "کشف" گرایش ناسیونالیستی در کومه‌له و چپ و راست کردن تشکیلات در عرض ۲۴ ساعت، گوش عالم را کر کرد و از آن به بعد هم، این ادبیات به متدی برای روبرو شدن با کومه‌له در میان بعضی از اعضا و هواداران این جریان تبدیل شد. و اکنون هم ما جسته و گریخته و تحت تاثیر یک فضا سازی کاذب، در فضای مجازی، این نگرش را در میان برخی از نیروه‌ها و افراد چپ می‌بینیم. تجربه تاریخی اثبات کرده است که دغدغه‌های مبارزین راستین کمونیست در پیچ و خم‌های مبارزه طبقاتی، بجای اینکه خود را در بحث‌ها و جدل‌های بی ربط به نیازهای مبارزاتی و کشفیات منزه طلبانه (با هر زبان رادیکالی که بیان شود) گرفتار سازد و محدود کند، باید بتواند راه‌های واقعی و عملی رشد گرایش سوسیالیستی را در جنبش‌های اجتماعی نشان دهد و در دستور کار خود بگذارد. در

مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی و ضرورت به کار انداختن حداکثر نیروی موجود در این جامعه بر علیه این رژیم، هیچگاه زیر سؤال نرفت. از چند سال پیش با توجه به تغییراتی که در اوضاع منطقه بوجود آمده، بار دیگر این ضرورت در مقابل این نیروها قرار گرفت و ما در چند سال اخیر شاهد سطحی از همکاری‌های عملی بین این نیروها در چارچوب مسائل امنیتی و سیاسی در منطقه بوده‌ایم.

این همکاری‌ها نه تنها به پیشبرد استراتژی سوسیالیستی کومه‌له لطمه نزده، بلکه دقیقاً در راستای پیشبرد آن عمل کرده است. اگر یک تاکتیک سیاسی بوسیله توده‌ها اتخاذ شود و پیروزی ولو محدودی هم به دست بیاورد، مردم از پیروزی خود روحیه خواهند گرفت و تاکتیک آنها به نیروئی مادی تبدیل خواهد شد و کسب همین نیرو آنها برای خیز بعدی آماده تر خواهد کرد. امروز تجدید حیات جنبش توده‌ای در کردستان از چنین مسیرهایی می‌گذرد و تجدید حیات این جنبش بستر رشد مبارزات کارگران خواهد بود، اگر حزب سیاسی آنها نیروی هدایت کننده آن بوده باشد. این آن حقیقت ساده‌ای است که چپ‌نماهای بیگانه با مسائل واقعی و پیچیده جامعه، نمی‌خواهند و لابد نیازی هم ندارند، آنرا درک کنند.

این سیاست، البته در مسیری هموار و بدون مانع و سنگلاخ به پیش نمی‌رود و نرفته است. کومه‌له تنها با اتکاء به پایگاه اجتماعی خود توانسته است با اعتماد به نفس در این راه قدم بگذارد. برای نمونه همین موضع مشترک با احزاب سیاسی موجود در کردستان در مورد انتخابات، حاصل بیش از یک ماه نشست‌ها و تماس‌ها و خنثی کردن مقاومت‌ها و غیره بوده است. موضع واقعی همه احزاب در ابتدای این مجادلات یکسان نبود، لیست گروه‌های شرکت کننده در این هماهنگی مورد بحث بوده است. مشکلات فنی و عملی ناشی از جدایی‌ها و انشعابات، به عاملی بر سر راه موضع‌گیری مشترک تبدیل شده بود. حتی مسئله کم‌اهمیتی مانند اینکه فراخوان مشترک به صورت کتبی عرضه شود یا شفاهی، تا آنجا پیش می‌رود که به مانعی بر سر راه اتخاذ موضع مشترک تبدیل شود.

ما در میان بعضی از نیروهایی که اکنون پای یک اتحاد عملی و سیاسی برای بایکوت مضحکه انتخابات رژیم آمده‌اند، شاهد بوده‌ایم که در گذشته سیاست شرکت در انتخابات را داشته‌اند و یا همسویی بعضی از این نیروها با کمپ "تغییر رژیم" به کمک قدرت‌های امپریالیستی وجود داشته و دارد. اما فرهنگ و

## سیاست کومه له در مورد همکاری احزاب سیاسی در کردستان

قطعنامه مصوب کنگره ۱۵ کومه له در مرداد ماه ۱۳۹۱

### مقدمه:

می‌شوند. هرگونه مقاومت و اعتراضی علیه تبعیض و نابرابری و مطالبه حق تعیین سرنوشت، تحت لوای دفاع از تمامیت ارضی ایران به شدیدترین شیوه سرکوب می‌شود. شویونیسم و عظمت طلبی دولت‌های مرکزی چه از نوع ناسیونالیسم رژیم پادشاهی و چه از نوع اسلامی آن، همواره وسیله‌ای برای اعمال شدیدترین دیکتاتوری و سرکوب بر علیه مردم کردستان بوده است. این گرایش غیر انسانی حتی از جانب اپوزیسیون بورژوازی رژیم نیز تقویت و برای آن تبلیغ می‌شود.

۲) اما جامعه‌ی کردستان در عین حال جامعه‌ای طبقاتی است. اگر چه اقشار و طبقات مختلف در این جامعه به درجات مختلف از وجود ستم ملی رنج می‌برند، اما در همان حال منافع اجتماعی و اقتصادی متفاوتی دارند. طبقه‌ی کارگر در کردستان از چند دهه پیش به میدان کشمکش‌های طبقاتی، سیاسی و اجتماعی وارد شده است و امروز جایگاه و موقعیت انکارناپذیری یافته است. این تحول اجتماعی زمینه و امکان رشد جریان سوسیالیستی در این جامعه را بوجود آورده است. در عین حال جامعه‌ی کردستان به دلیل اعمال ستم ملی از جانب دولت مرکزی، به بستری برای حضور و گسترش گرایش ناسیونالیستی تبدیل شده است. بر متن این زمینه‌های عینی، احزاب و سازمان‌های سیاسی مختلف با اهداف و استراتژی‌های متفاوت، به وجود آمده‌اند. تداوم مبارزه سیاسی بر علیه دولت مرکزی که همواره از پشتیبانی اکثریت قاطع مردم کردستان برخوردار بوده است، کردستان را به یک جامعه به درجه زیادی تحزب یافته تبدیل نموده است.

۳) دولت مرکزی همواره ابزارهای مختلفی را برای سرکوب و به انحراف کشاندن مقاومت و مبارزه مردم کردستان به طور همزمان به کار گرفته است. از جمله:

- سرکوب مستقیم، توسط لشکرکشی، اعمال خشونت و قهر عریان، بازداشت، شکنجه، زندان و اعدام؛
- بهره‌برداری از شکاف‌ها و اختلافات احزاب سیاسی در کردستان.
- از محتوا خالی کردن خواست‌ها و مطالبات مردم کردستان و محدود

بین دشمنان هر قدر هم که کوچک باشد و از هر گونه تضاد منافع بین بورژوازی کشورهای مختلف و بین گروه‌ها و انواع مختلف بورژوازی در داخل هر یک از کشورها و نیز از هر امکانی هر قدر هم که کوچک باشد برای بدست آوردن متفق توده‌ای، حتی متفق موقت، مردد، ناپایدار، غیر قابل اعتماد و مشروط حتما و با نهایت دقت و مواظبت و احتیاط ماهرانه استفاده شود. کسی که این مطلب را نفهمیده باشد، هیچ چیز از مارکسیسم و بطور کلی از سوسیالیسم معاصر نفهمیده است.

### دو یادآوری:

۱- محض یادآوری به منتقدین حزب کمونیست ایران که در صفوف جریان‌های هوادار منصور حکمت فعالیت می‌کنند، در رابطه با مسائل مربوط به جنبش عمومی و جنبش رفع ستم ملی، تا وقتی که زنده یاد منصور حکمت در رهبری حزب کمونیست ایران قرار داشت و تا وقتی که هنوز مسیر سیاسی خود را تغییر ن داده بود، از مدافعین سرسخت این سیاست بود. بارها و در نوشته‌های مستندی، رهبری کومه له را به خاطر "موقع شناسی در بکارگیری تاکتیک‌های سیاسی درست"، ستایش می‌کرد. و همواره بر "ضرورت تحکیم موقعیت کومه له در جنبش رفع ستم ملی"، تاکید می‌کرد. کمتر از یک سال قبل از انشعاب از حزب کمونیست و در حالیکه تازه جنگ دموکرات و کومه له پایان یافته بود، به رهبری کومه له توصیه می‌کرد که به فکر تدوین یک برنامه مشترک خودمختاری با حزب دموکرات باشد. (رجوع کنید به آثار منتشر شده منصور حکمت).

۲- یادآوری این نکته برای کسانی که فراموش کرده‌اند، لازم است، تقریبا در تمام کنگره‌های تا کنونی کومه له همیشه "عنوان رابطه و همکاری با احزاب سیاسی در کردستان" یک فصل ثابتی بوده است. کنگره ۱۵ کومه له در مرداد ماه ۱۳۹۱ قطعنامه جامعی در این مورد دارد، که در پایان این مقاله متن کامل آنرا برای کسانی که آنرا در موقع خود نخوانده‌اند، یا آن موقع به دلیل اینکه پای استدلالشان در مقابل جمعیت این سند می‌لنگید، سکوت کرده‌اند، (به نقل از بسوی سوسیالیسم ۴) می‌آورم.

طی سی و سه سالی که از حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی در ایران می‌گذرد مقاومت مردم کردستان در برابر تهاجم نظامی این رژیم و مبارزه برای تأمین حقوق و آزادی‌های اولیه خود، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است. در طول این مدت متحدانه عمل کردن احزاب و نیروهای سیاسی اپوزیسیون در کردستان در مقابل رژیم جمهوری اسلامی همواره یک خواست مردم کردستان بوده است. کومه له با درک این نیاز اجتماعی در مقاطع مختلف کوشیده است که به آن پاسخ مثبت بدهد و در مقابل موانع موجود بر سر راه تأمین آن ایستادگی کرده است. در سالهای نخست پس از سقوط رژیم شاه، هماهنگی و اتحاد عمل نیروهای سیاسی فعال در کردستان در چهارچوب نهادی بنام "هیأت نمایندگی خلق کرد" تا حدودی تأمین شد. این نهاد علیرغم دستاوردهای مثبتی که طی مدت کوتاه عمر خود بدست آورد، از هم پاشید. نیاز و خواست مردم کردستان در این زمینه همچنان به قوت خود باقی است.

کومه له بنا به مسئولیتی که در قبال جنبش انقلابی مردم کردستان بر عهده دارد و در پاسخ گویی به خواست وحدت طلبانه مردم کردستان، به منظور هموار نمودن راه رفع ستم ملی بر مردم کردستان، کاهش ابعاد مصیبت‌های ناشی از مبارزه بر علیه این ستمگری، محدود کردن امکان توطئه‌گری‌های رژیم جمهوری اسلامی در میان احزاب و جریان‌های سیاسی فعال در کردستان، تأمین همکاری نیروهای سیاسی کردستان در برابر رژیم جمهوری اسلامی، گسترش همکاری میان فعالین جنبش‌های اجتماعی با گرایش‌های گوناگون در مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی، سیاست معینی را بر اساس خطوط زیر در دستور کار خود قرار می‌دهد:

۱) جامعه کردستان تحت حاکمیت رژیم‌های سلطنتی و اسلامی علاوه بر بی‌حقوقی‌های سیاسی و اجتماعی، که عموم مردم ایران با آن دست به گریبان هستند در عین حال از ستم‌گری ملی رنج می‌برند. مردم کردستان نه تنها بر اساس سیاست‌های عملی، بلکه حتی به طور رسمی و در قوانین این رژیم‌ها به عنوان شهروند درجه دوم در جامعه‌ی ایران محسوب

را به اصل آزادی بدون قید و شرط سیاسی در کردستان بعنوان یکی از ارکان مبارزه مسالمت‌آمیز سیاسی اعلام کند؛

چهارم، اجتناب از هرگونه ارتباط گرفتنی با رژیم؛ مذاکره با حکومت مرکزی در ارتباط با حقوق و خواست‌های مردم کردستان، امری منحصر به هیچ حزب و یا سازمانی نیست. لازم است هرگونه ارتباط جداگانه با دولت مرکزی تحریم شود. چنانچه در شرایط خاص و معینی مذاکره و گفتگو با دولت ضرورت پیدا کرد، اصل توافق همگانی در مورد قبول و یا رد مذاکره به رسمیت شناخته شود و در صورت انجام چنین مذاکره‌ای، مکانیسم و روش کلی پیشبرد آن مورد توافق عمومی باشد.

پنجم، برسمیت شناختن اصل حاکمیت مردم؛ حاکمیت در کردستان امر مردم است و احزاب سیاسی مجاز نیستند مستقل از رأی و اراده‌ی مستقیم مردم، حاکمیت را در هیچ سطحی مابین خود تقسیم کنند.

ششم، همکاری نیروهای سیاسی در هر سطحی که انجام بگیرد لازم است در راستای منافع عمومی کارگران و مردم ستمدیده در سطح ایران و منطقه بوده و در جهت تقویت مبارزات جمعی و مستقیم آنها علیه جمهوری اسلامی، انجام بگیرد.

۷) چند مورد معین جهت همکاری به منظور هموار نمودن راه همکاری و هماهنگی وسیع تر:

۱- جلب پشتیبانی مادی و معنوی احزاب و سازمان‌های کارگری، مردم آزادی‌خواه و گروه‌ها و سازمان‌های بشردوست در سراسر جهان از مردم کردستان. در این رابطه، نیروهای سیاسی کردستان می‌توانند در اینگونه مجامع هماهنگ و یکدست ظاهر شوند.

۲- همکاری در زمینه‌های اطلاعاتی و امنیتی بمنظور خنثی کردن توطئه‌های جمهوری اسلامی بر علیه احزاب سیاسی در کردستان. این همکاری‌ها هم در خود مفید هستند و هم کار برداشتن قدم‌های بعدی را در جهت ایجاد هماهنگی آسانتر خواهند کرد.

۳- همکاری‌های فنی و تکنیکی در خدمت کاراتر نمودن دستگاه‌های رسانه‌ای و کمک-رسانی و ایجاد تسهیلات در زمینه‌های گوناگون دیگر. اتخاذ موضع مشترک (از طریق بیانیه‌ی مشترک و یا عمل مشترک) در ارتباط با رویدادهای سیاسی مهم و فراخوان لازم در مواردی که ضرورت سیاسی مهمی آنرا ایجاب می‌کند.

تشکیلاتی هستند. در هر دو حالت یک چنین پیشینه‌ای، و رویدادهائی که در مقطع جدائی‌ها بوقوع پیوسته اند خود به مانعی بر سر راه هماهنگی و کار مشترک تبدیل شده‌اند.

پنجم، ارزیابی و تحلیل متفاوت و گاه متضاد از شرایط سیاسی امروز جامعه‌ی ایران، منطقه و جهان و بنابر این پافشاری بر اولویت‌های متفاوت، که به مانعی بر سر راه اتحاد عملها تبدیل می‌شود.

۵) بی‌حقوقی‌های سیاسی و اجتماعی، سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت مرکزی نسبت به مردم کردستان در موارد مختلف، بی‌افقی جوانان و محرومیت آن‌ها از ابتدائی‌ترین حقوق انسانی، تبعیض و ستم بر زنان و آثار زیانبار آن بر کل جامعه، سیاست گسترش مواد مخدر، این‌ها همگی طیف وسیعی از اقشار مختلف مردم کردستان را در برابر دولت مرکزی قرار داده است. همکاری عملی فعالین و مبارزات علنی در جهت پیشبرد مبارزه‌ی مردم کردستان علیه رژیم جمهوری اسلامی در داخل کشور جنبه مهمی از سیاست هماهنگی و همکاری ما را تشکیل می‌دهد. ما در همه جا، خواهیم کوشید با در پیش گرفتن یک سیاست متحد کننده، در خدمت قدرتمند نمودن چنین مبارزه‌ای بر علیه جمهوری اسلامی، امر پیروزی هر حرکت و اعتراض معینی را تسهیل کنیم. پیشنهادات سازنده در زمینه کاراتر کردن این سیاست مورد توجه قرار قرار خواهد گرفت و حداکثر انعطاف ممکن نشان داده میشود تا چنین اتحاد عمل‌هایی تأمین گردند.

۶) شکل‌گیری یک همکاری و هماهنگی جمعی مؤثر در گرو تلاش برای تأمین شرایط زیر است:

اول، ایجاد فضای دیالوگ و گفتگو؛ فراهم نمودن زمینه جهت برگزاری دیدارهای دوجانبه به منظور تبادل نظر و رسیدن به درک مشترک در مورد همکاری و هماهنگی. تلاش برای برگزاری نشست عمومی در صورت تأمین شرایط سیاسی و عملی آن؛

دوم، اجتناب از رویارویی‌های مسلحانه؛ همگی سازمان‌های فعال در کردستان به روشنی به سیاست عدم استفاده از اسلحه در اختلافات سیاسی و در کشمکش‌های داخلی متعهد شوند و اصل پیشبرد مبارزه سیاسی مسالمت‌آمیز را بطور رسمی بپذیرند و پایبندی بدون چون و چرای خود را به این امر در مقابل جامعه کردستان اعلام نمایند؛

سوم، احترام به حقوق و آزادیهای دموکراتیک؛ احزاب و نیروهای سیاسی پایبندی خود

کردن این خواست‌ها در چهارچوب تنگ مطالبات محدود فرهنگی با اتکاء به گرایش‌های سازشکارانه در جامعه کردستان؛

۲- دامن زدن به روحیه‌ی انتظار در میان مردم کردستان با یاری گرفتن از حربه‌ی مذاکرات یک‌جانبه با برخی از احزاب و جریان‌های سیاسی.

همکاری و اتحاد عمل نیروهای سیاسی فعال در کردستان بایستی در خدمت خنثی کردن این سیاست‌ها باشد.

۴) اما پاسخ دادن به این ضرورت تا آنجائی که به احزاب سیاسی کردستان بر می‌گردد، با موانع و مشکلاتی چند مواجه است که بایستی برای رفع و یا تخفیف آنها تلاش کرد:

اول، اگر چه احزاب سیاسی برنامه‌های متفاوتی در پاسخ به ستمگری ملی در کردستان دارند و متفاوت بودن برنامه آنها در این مورد، به خودی خود مانعی در راه همکاری بر علیه جمهوری اسلامی ایجاد نمیکند، اما راههای متفاوتی که آنها برای رسیدن برای تحقق برنامه خود در پیش گرفته‌اند (استراتژی)، شکل گرفتن همکاری و هماهنگی عملی را با موانعی جدی روبرو خواهد کرد.

دوم، تمایز در انتخاب هم‌پیمانان سراسری. احزاب سیاسی فعال در کردستان هر یک می‌کوشند تا در انطباق با استراتژی سیاسی و پایگاه طبقاتی خود هم‌پیمانانشان را در سطح سراسری انتخاب کنند. گاه انتخاباتها آنچنان ناهمگون است که کار هماهنگی احزاب سیاسی در کردستان را به شدت دشوار و گاهی حتی غیر ممکن می‌سازد. هم‌پیمانی با اصلاح‌طلبان حکومتی و یا شوونیستهای ایرانی که دشمنان حق تعیین سرنوشت مردم کرد هستند، از آنجمله است.

سوم، در پیش گرفتن سیاست اتکاء به دخالت قدرت‌های امپریالیستی. در حالیکه امروز جهان شاهد این واقعیت است که چگونه پیامد ویرانگر دخالت این قدرتهای خارجی در کشورهای عراق و افغانستان و لیبی و امروز در سوریه، خیزش انقلابی مردم را عقیم گذاشته و به بیراهه برده است.

چهارم، انشعاب‌ها و جدائی‌ها در درون احزاب سیاسی در چند سال اخیر و بروز "بحران اعتماد" در میان آنها؛ بخشی از این جدائی‌ها ناشی از اختلافات سیاسی است که تعمیق آنها در یک مسیر طبیعی سرانجام به جدائی منجر می‌شود. بخشی دیگر نه در نتیجه‌ی وجود اختلافات سیاسی و حتی تاکتیکی مهم و متمایز، بلکه ناشی از کشمکش‌های درون



خسرو بوکانی

## موقعیت کنونی جنبش کارگری ایران

طور واقعی خود را نشان میدهد. بیشتر از ۶۰ درصد نهاد و کارخانه‌ها تعطیل و یا نیمه تعطیل شده‌اند، کارخانه‌هایی هم که فعال هستند تنها میتوانند ۳۰ تا ۴۰ درصد ظرفیت خود را به کار گیرند. نزدیک به ۸ میلیون کارگر آماده به کار در ایران وجود دارد که نمی‌توانند هیچ کاری پیدا کنند. خط فقر در ایران حدود چهار میلیون تومان است، حتی کارشناسان شورای عالی کار رژیم این میزان را ۲ میلیون و ۴۸۹ هزار تومان اعلام کرده‌اند. در عرصه واقعی زندگی در شرایط کنونی ایران یک خانواده سه و نیم نفری برای اینکه بتوانند هزینه معیشت خانواده خود را تأمین کنند و زیرخط فقر نیافتند باید ماهیانه ۴ میلیون تومان درآمد داشته باشند. این در حالی است که همین شورای عالی کار رژیم حداقل دستمزدهای کارگران را برای سال جاری تنها ۹۳۰ هزار تومان تعیین کرده است. تازه این میزان تنها شامل کارگرانی می‌شود که مشمول قانون کار ضد کارگری رژیم هستند و کارگران شاغل در کارگاه‌هایی که زیر ده نفر هستند، شامل این دستمزدها هم نمی‌شوند. مضافاً اینکه حتی همین حداقل دستمزدهای چندین بار زیرخط فقر از سوی کارفرمایان و سرمایه‌داران پرداخت نمیشود و یا ماهها با تاخیر پرداخت می‌شود.

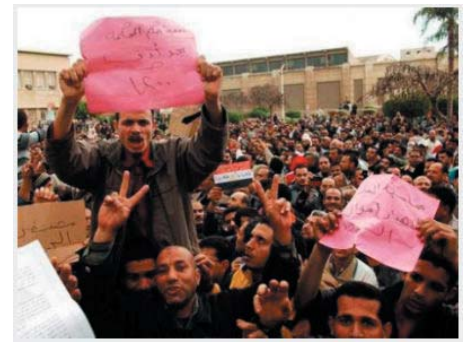
به طور متوسط روزانه ۶ کارگر به علت نبود امنیت در محل کار و حوادث کار در کارگاه و کارخانه‌های مختلف جان خود را از دست میدهند و صد ها هزار کارگر دیگر نیز دچار صدمات جانی و روانی میشوند. سالانه حدود ۱۰۰ کارگر کولبر در کردستان و کارگرانی که به چتر باز و ته لنجی در بندر عباس و هرمزگان شناخته میشوند و در مناطق مرزی دیگر به علت تیراندازی مستقیم نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و یا به علت حوادث طبیعی از این دست جان خود را از دست می‌دهند و تعداد زیادی فلج و مصدوم می‌شوند و هیچ قانونی شامل حال آنها نمی‌شود. شرکت‌های پیمانکاری با حمایت رژیم بورژوازی ایران و با کمک سرمایه‌داران و کارفرماها به مانند زالو خون کارگران را می‌مکند و بخش زیادی از حاصل رنج کارشان را غارت می‌کنند.

نهاد‌های ضد کارگری و مجلس رژیم با تصویب لوایح ضد کارگری این فرصت را برای کارفرماها و سرمایه‌داران

رای، دچار سردرگمی شده‌اند. بی‌شک دور آینده به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری و شوراها در ایران در شرایطی بسیار پر تنش برگزار خواهد شد. از سویی با سرکار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا و در نظر گرفتن سیاست جنگ افروزانه اش در مقابل ایران و توافق بیشتر با رقبای محلی جمهوری اسلامی، یکی از فاکتورهای این تنش‌ها می‌باشد. از سوی دیگر چندین مورد مثل جانشینی خامنه‌ای، نبود هماهنگی بین اصولگرایان در خصوص یک نامزد انتخاباتی، تشدید بحران اقتصادی، افزایش اعتراض و مبارزه کارگری و فعالان مدنی، از جمله فاکتورهای داخلی هستند که شرایط را برای رژیم دشوارتر کرده است. با این حال باید گفته شود که علیرغم تمام این مشکلات و اختلافاتی که بر سر منافع اقتصادی و استراتژی جداگانه که در جناح‌های حکومتی وجود دارد، کشاندن مردم به پای صندوق‌های رای، کار مشترک همه این جناح‌ها است.

رژیم که می‌داند نمی‌تواند مانند قبل مردم ایران را به پای صندوق‌های رای بکشاند، با فریبکاری، برای اینکه بتواند مردم بیشتری را به پای صندوق‌های رای بکشاند انتخابات شوراها، شهر و روستا و ریاست جمهوری را همزمان کرده است. به همین دلیل، از نظر ما تحریم انتخابات، به خصوص از سوی کارگران و مردم زحمتکش ایران و کردستان که به هیچ‌کدام از خواسته‌های اقتصادی و سیاسی خود که در سایه حاکمیت جناح‌های مختلف نرسیده‌اند، ضروری است. رفتن به پای صندوق‌های رای به عبارتی به معنای، تبدیل شدن به نیرویی برای عقب راندن نزاع‌های درون حکومتی به نفع منافع سرمایه‌داران و ضمانت سرکار مانند رژیم است که هیچ سودی برای کارگران ندارد. کارگران در ادامه مبارزات پرشور خود که در جریان مبارزه حق طلبانه برگزار کرده‌اند، نه با رای به کاندیداهای بد و بدتر، بلکه تنها با رفتن به پای صندوق‌های رای می‌توانند جایگاه و موقعیتی بهتر برای ادامه دادن به مبارزه خود فراهم کنند.

اگر نگاهی گذرا به وضع زندگی و معیشت مردم ایران و کردستان به طور عام و طبقه کارگر و مردم زحمتکش به طور خاص بیندازیم، خواهیم دید که بربریت و سنت نظام سرمایه‌داری در سیمای جمهوری اسلامی به



تحلیل‌ها و آمارهای منتشره این را نشان می‌دهند که بعد از تمام شدن جنگ ارتجاعی ایران و عراق و کشتار دسته جمعی زندانیانی سیاسی در دهه ۶۰ و اجرای برنامه ریاست اقتصادی "رفسنجانی" هیچ کدام از دولت‌هایی که تاکنون در ایران سر کار آمده‌اند از جمله "محمد خاتمی" و "محمود احمدی نژاد" و اکنون نیز "حسن روحانی"، نه تنها نتوانسته‌اند بهبودی در عرصه زندگی و کار مردم بوجود آورند، بلکه حتی در دوره روحانی، مشکلاتی از قبیل فقر و بیکاری، در سطحی فراوان، فاجعه به بار آورده است. تعداد اعدام‌ها در مقایسه با دوره احمدی نژاد، به میزان ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده و بازداشت و زندانی کردن فعالان جنبش‌های اجتماعی بیشتر شده است. نزدیک به ده میلیون نفر به همراه خانواده‌هایشان گرفتار مواد مخدر شده و به علت مبتلا شدن به این پدیده خانمانسوز رنج می‌برند. افزایش مرگ و میر به علت سوانح محل کار و ناامن بودن جاده‌ها، رکوردهای جهانی را زده است. میزان آلودگی هوا در کلان‌شهر تهران و شماری از شهرهای دیگر ایران به مرز بحران رسیده و بی‌دلیل نیست که "سازمان شفافیت بین‌المللی" در تازه‌ترین گزارش خود، از رژیم جمهوری اسلامی به عنوان یکی از فاسدترین حکومت‌های جهان نامبرده است. در چنین شرایطی است که، تبلیغات انتخاباتی رژیم اسلامی به خاطر نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری و شوراها، اسلامی شهر و روستا آغاز شده و حسن روحانی با این کارنامه قرار است رقیب اصلی ابراهیم رئیسی درخیم و جلااد و یکی از عاملان اعدام هزاران فعال چپ و کمونیست دهه ۶۰، در این نمایش انتخاباتی باشد. در واقع هیچ‌کدام از جناح‌های حکومتی با کارنامه پر از جنایت‌هایشان، نقشه و برنامه‌ای برای گذر از شرایط فلاکت‌بار کنونی را ندارند.

به همین دلیل دایره رهبری سپاه پاسداران و خامنه‌ای با اطلاع از این واقعیت که مردم ایران همه جناح‌های حکومتی را امتحان کرده‌اند، برای مهندسی کردن این انتخابات و جذب مردم برای کشیدن آنها به پای صندوق‌های

میباشد و یا قبول کردن رشد کمی طبقه کارگر طی سالهای اخیر که امری واقع و غیرقابل انکار است، بدون شک به تغییرات کیفی و جهشی انجامیده و بیشتر خواهد انجامید. روزانه حداقل ۴-۵ حرکت اعتراضی کارگری را در نقاط مختلف کشور شاهدیم. میتوان گفت که یکی از فاکتورهای بسیار جدی و اساسی در شکستن فضای خفقان مورد نیاز سرمایه داران همین اعتراضات روزمره کارگری هستند. وجود دهها تشکل کوچک و بزرگ کارگری و فعالان کارگری که با دخالتگری های موثرشان اقدامات استعمارگرانه حاکمیت را به چالش میکشند و بسیاری فاکتها و عوامل دیگر. لذا واقعیت کنونی جنبش کارگری ایران و طبقه کارگر این است که با وجود تمامی ضعفها و کاستیها نسبت به دیگر جنبشها و اعتراضات اجتماعی در موقعیتی کاملا برتر و تاثیر گذارتر قرار دارد.

فعالان و پیشروان کمونیست جنبش کارگری، ضروری است به حضوری فعالانه در مبارزات که در حال حاضر در جریان است، برای خیزش جنبش کارگری خود را آماده کنند. در غیاب این آمادگی و در غیاب هژمونی انقلابی و سوسیالیستی، این نگرانی وجود دارد که طبقه کارگر نتواند مهر طبقاتی خود را بر حوادث سیاسی آینده بکوبد و دوباره طبقه سرمایه دار بتواند با آرایشی سیاسی پا بر دوش طبقه کارگر بگذارد و با تحمیل شرایط فلاکتبار، به حاکمیت خود ادامه دهد. فعالان سوسیالیست جنبش کارگری لازم است با افق و نقشه عمل روشن و با پاسخ به نیازهای مبارزات عملی و سیاسی کارگران، این جنبش طبقاتی را در راستای سیاست های سوسیالیستی هدایت و به پیش ببرند. به همین دلیل در شرایط کنونی، دخالت فعالانه در مبارزاتی که در جریان است و جنبش مطالباتی کارگران و تلاش برای زدن مبارزات به همدیگر از جمله مهمترین اولویت های فعالان و پیشروان جنبش کارگری است. گسترش اعتراضات تنها راه واقع بینانه برای فراهم کردن و کمک برای ایجاد تشکل طبقاتی و سراسری کارگران است. فعالان سوسیالیستی جنبش کارگری با حضور فعالانه و موثر در جریان به پیش بردن این مبارزات است که می توانند توجه شمار هرچه بیشتر از فعالان پیشرو جنبش کارگری برای درک تحزب یابی کمونیستی کارگران را جلب کنند. بحث و گفتگو درباره تحزب یابی کارگران لازم است بر پایه اصول و استراتژی سوسیالیستی که انقلاب اجتماعی و قدم گذاشتن در چارچوب سازمان دادن اقتصاد

آن گرفتار آمده، تلاش کرده است با ارائه لایحه ضدکارگری اصلاح قانون کار رژیم به مجلس، کوچک ترین روزنه ای برای هر نوع مانور و حرکت اعتراضی کارگری در چهارچوب قانون باقی نگذارد و از این طریق فضای امنی را برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی تامین کند. برای سال آینده نیز به دستمزدهای چهار بار زیر خط فقر رسمیت بخشیده اند. اما نه تنها این تلاش ها، بلکه تحت فشار قرار دادن کارگران ناراضی، بازداشت و زندانی کردن فعالان و شلاق زدن کارگران، نتوانسته از روند رو به رشد اعتراضات کارگری جلوگیری کند.



موقعیت حال حاضر جنبش کارگری و ناتوانی رژیم در پاسخ به خواست کارگران، افق خیزش نیرومند جنبش کارگری را به روی جامعه ایران گشوده است. مقابله با فقر و فلاکت و بی حقوقی های که به سر کارگران تحمیل شده، حرکت نیرومند جنبش کارگری در آینده را به یک مسئله حتمی تبدیل کرده.

در اینجا لازم می دانم به موضوعی اشاره کنم که به عنوان یک رویکرد ضعیف در درون جنبش کارگری ایران چه در داخل و چه در خارج کشور عمل میکند و آنهم گرایش و رویکردی است که مبارزات طبقه کارگر را دفاعی و بیشتر صنفی ارزیابی میکند. حقیقت امر این است که واقف بودن بر موانع سازمانیابی کارگری و جستجو کردن در باب شناسایی نقاط ضعف این جنبش به خودی خود نه تنها منفی و مذموم نیست بلکه برعکس کاملا لازم و ضروری است که احزاب، نهادها و تشکلهای کارگری با شناسایی دقیق موانع پیشروی جنبش کارگری، راه را برای پیشروها و دستاوردهای بیشتر هموار کنند. ولی این ارزیابی که مبارزات کارگری را مجزا از کلیه عوامل تاثیرگذار بر آن، مورد نقد قرار میدهد، نه تنها راهکاری برای برون رفت از این وضعیت مورد ادعای خودشان ارائه نمیدهند بلکه نمیتواند پایه های مادی و علمی دقیقی داشته باشد. دلایل آن بسیار ساده و قابل مشاهده هستند از جمله اینکه جنبش کارگری نیز با تمام ظرفیتهای و افت و خیزهایش به عنوان یک پدیده اجتماعی، متأثر و تاثیرگذار بر دیگر پدیده های پیرامونی خود

فراهم کرده اند که هر نوع قرارداد سفید و بی امضا و بی تاریخ را به کارگران تحمیل کنند و از این راه کارگران را به صورت دسته جمعی از کار اخراج کنند. کار کودکان که باید منع شود، کماکان در ایران تحت حاکمیت رژیم سرمایه داری اسلامی وجود دارد و از کودکان کم سن و سال با شدیدترین شیوه بهره کشی می شود و فعالان و مدافعان کودکان از سوی نیروی های سرکوبگر جمهوری اسلامی بازداشت و به زندان فرستاده میشوند. زنان کارگر به علت سیاست تفکیک جنسیتی از سوی رژیم با سخت ترین شیوه مورد بهره کشی قرار میگیرند و از هیچ حقوق برابری در مقابل کار برابر با مردان برخوردار نیستند به خصوص زنانی که کار کیلویی و کونتراتی، تیکه دوزی و دورکاری میکنند یا زنانی که سرگرم کار منشی گری، خدمات و از این قبیل اند با دستمزدی حتی نصف کمتر از حداقل دستمزدهای تعیین شده از سوی شورای عالی کار رژیم به کار گماشته می شوند.

رژیم برای منحرف کردن مبارزات اصیل و رادیکال کارگری و پایین آوردن سطح مطالبات کارگران و شناسایی، شکنجه و آذیت و آزار فعالان کارگری و کارگران مبارز در مراکز کارگری و تولید، بودجه و امکانات بسیار زیادی در دست نهادها سیاهی مثل خانه کارگر، انجمن های صنفی و شوراهای اسلامی گذاشته و از آنها به مثابه نماینده کارگران ایران در سازمان های بین المللی بهره میبرد. فعالان مبارز کارگری و کارگران ناراضی به این شرایط دشوار را زیر فشار گذاشته و آنها را شکنجه و آذیت و آزار و حکم شلاق، زندان و تبعید از محل کار و زندگیشان را به آنها تحمیل میکند. اما تمامی اینها روی سیاه و دردآور سکه هستند و آنروی سکه این است که طبقه کارگر ایران نه تنها به این شرایط فلاکتبار تن نداده و تسلیم نشده، بلکه رنگ و بوی تازه ای به مبارزات خود داده است. اعتراضات گسترده بر علیه تاخیر در پرداخت دستمزدها، اعتراض به بیکار سازی های ادامه دار، اعتراض به پایین بودن سطح دستمزد و شرایط ناامن کار، تنها بخشی از یک مبارزه است که نشان میدهد، کارگران برای بهبود شرایط کار و زندگیشان، یک لحظه غافل نشده اند. افزایش آمار اعتراضات و اعتصابات کارگری و تعداد کارگرانی که در این اعتراضات شرکت میکنند و زمان بیشتری که کارگران در اعتراضات و اعتصابات بسر می برند، نشان از روند رو به رشد جنبش کارگری است. دولت روحانی برای جذب سرمایه داران داخلی و خارجی برای سرمایه گذاری در عرصه تولید و برون رفت از بحرانهای ساختاری که در

# Hudson Falcons Working Class War

ترجمه ترانه از: فریدون ناظری

Its time to arm ourselves in the night

وقتشه مسلح کنیم خودمون رو تو شب

When you see the enemy, you have to fight

چون به محض دیدن دشمن، باید بجنگیم

They make their profits from our sweat

اونا سودشون رو از عرق ما می گیرن

We have to show them that we're not dead yet

باید به اونا نشان بدیم که هنوز زنده ایم

Fight for the people

بجنگیم برای مردم

Fight for the cause

بجنگیم برای هدف

Fight to the death

بجنگیم با تمام توان

Its a working class war

این جنگ طبقه کارگره

They act like their doin' us a favor

اونا طوری عمل میکنند که انگار به ما خوبی میکنند

And all they do is pit us against our neighbors

در حالیکه بین ما و همسایه هامون چاله میکنند

"They say, "shut up, or we'll give them your job

اونا میگن: "خفه شو، وگرنه کارت رو میدم به اونا

We gotta show them that we're the working class mob

ما باید به اونا نشون بدیم که ما توده طبقه کارگریم

United we stand divided we fall

با وحدت میتونیم سرپا بایستیم، با تفرقه ولو میشیم رو زمین

Injustice to one, hurts us all

ظلم به یکی، ظلمه به همه

We work in the fields, we toil in the factories

ما در مزارع کار میکنیم، ما در کارخونه ها جون می کنیم

We work all our lives to ensure their prosperity

ما تموم عمر کار می کنیم تا تامین ثروت و کامیابی اونا تضمین بشه

Meanwhile, we go hungry, can't enjoy our lives

در همونحال خودمون گشنه میمونیم و نمی تونیم از زندگیمون لذت ببریم

I wanna live rather than just survive

من میخوام زندگی کنم نه اینکه صرفا نفس بکشم

سوسیالیستی را وظیفه طبقه

کار می داند، گسترده تر کند

و بر آن تاکید کند. به نظرمن لازم

است که در شرایط کنونی طبقه کارگر

ایران و تشکل های مستقل کارگری

و فعالان کارگری ضمن رد کردن

حداقل دستمزد ۹۳۰ هزار تومانی

تعیین شده از سوی شورای کار عالی

رژیم، بر افزایش دستمزد متناسب با

استانداردهای زندگی امروزی تاکید

کنند. کارگران لازم است اعلام کنند

که پایه تعیین حداقل دستمزد نه برابر

با خط فقر بلکه باید بر پایه خط رفاه

کارگران باشد. کارگران لازم است بر

آزادی فوری و بدون قید و شرط فعالان

کارگری زندانی تاکید کنند و خواستار

پرداخت بیمه بیکاری مکفی برای تمام

نیروهای آماده به کار و انحلال کامل

شرکت های پیمانکاری، ایجاد ایمنی

محیط کار، ممنوعیت کار کودکان و

نوجوانان زیر ۱۸ سال، آزادی عقیده،

آزادی تشکل، سازمانها و احزاب

سیاسی، اعتصاب، آزادی قلم، بیان،

و آزادی تمام زندانیان سیاسی، لغو

مجازات اعدام، جدایی دین از دولت

و پایان دادن به تبعیض جنسیتی علیه

زنان و به رسمیت شناختن برابری زنان

و مردان در تمام عرصه های زندگی

اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تاکید

کرده و این خواستها را در سرلوحه

جنبش مطالباتی طبقه کارگر قرار دهند

ما به عنوان کومه له و حزب کمونیست

ایران بار دیگر برادامه راه و استراتژی

سوسیالیستی و رسیدن طبقه کارگر

به قدرت سیاسی درجهت بنا نهادن

جامعه ی سوسیالیستی و خلاص شدن

از شر نظام استثمارگر سرمایه داری تا

کید می کنیم.





فریدون ناظری

## اعتراضات اول مه ۲۰۱۷

### یک ارزیابی مختصر



انتخابات بود. تظاهر کنندگان با شعار "نه لوپن، نه ماکرون"، "ما بین طاعون و وبا انتخاب نمی کنیم!" هر دو کاندیدای ریاست جمهوری را رد کردند. (طبق آخرین خبرها ماکرون رئیس جمهور فرانسه شد) جوانانی که با صف جدا از اتحادیه‌ها در تظاهرات شرکت داشتند شعار می دادند: "نه کاپیتالیسم، نه فاشیسم!" "ما همه ضد فاشیست هستیم". گرچه این اعتراض مثبت است، اما در این مورد نمی توان مشخص کرد که چه گرایش معینی این شعار را مطرح کرده است.

رژیم به اصطلاح سوسیالیست "۹۰ هزار نیروی پلیس برای مقابله با کارگران و جوانان معترض را بسیج کرده بود. آنها به راه پیمایی مخالفین ضد سرمایه داری حمله کردند و با مقابله آنها روبرو گردیدند. ۱۰۷ نفر از این معترضین توسط پلیس سرکوبگر دستگیر شدند.

### آلمان:

در برلین ۲۰ مراسم بزرگ در گرامیداشت روز جهانی کارگر برگزار گردید. در مراسم آن گروه‌ها که رسانه‌های بورژوازی آنها را "چپ افراطی" می نامند ۱۹ هزار نفر شرکت کردند. در کریوزبرگ (Kreuzberg)، در حومه برلین، ۴۰ هزار نفر به هنرنمایی ۱۶۰ گروه موسیقی گوش دادند. مقامات ۵ هزار و چهار صد پلیس را در صحنه حاضر کرده بودند. آنها به بهانه درگیری آناشبیست‌ها با راست‌های افراطی عده‌ای را دستگیر کردند. در هامبورگ نیز پلیس با تظاهر کنندگان درگیر شد.

### آتن (یونان):

ده هزار تظاهر کننده خواهان مقاومت در برابر خواست قرض دهندگان برای تحمیل ریاضت اقتصادی بیشتر، بازگشت به سیستم رفاه و پس‌گیری تمام "خصوصی سازی‌ها" شدند. اعتراضات اول مه امسال در شهرهای آتن و کل اعتراضات کارگری در این کشور نشان می‌دهد چپ خرده بورژوازی و اتحادیه‌ها با شکست در برابر بورژوازی مالی بزرگ از نفس افتاده‌اند و کارگران رادیکال خود باید میداندار شده و خویشتن را در حزبی کمونیست سازمان داده و به نجات جامعه بکشند.

که سایر اقشار جامعه و از جمله طبقه کارگر به آنها "وفادار" باشند. چرا چون آنها خود را مظهر کل ارزش‌های بورژوازی جامعه و پرچم آن میدانند. اما تظاهر کنندگان نشان دادند که نسبت به این ارزش‌های ننگین و پرچم خونین "بی وفا" می باشند. آنها با پلاکاردهای خود و برای اعتراض به پایداری شدن حقوق کارگران (نظیر حذف ۲۰ میلیون نفر از پوشش بیمه درمانی) در آمریکا، محکوم کردن سیاست‌های کابینه ترامپ و مخصوصاً سیاست‌های او ضد کارگران مهاجر، زیر پا نهادن مقررات و قوانین دفاع از محیط زیست و حقوق زنان به میدان آمدند. آنها زندانی و دیپورت کردن کارگران مهاجر را محکوم کرده و خواهان توقف آن شدند. تظاهر کنندگان به جای کشیدن دیوار و ایجاد مانع برای کارگران مهاجر و کارگران آمریکا خواهان ایجاد پل میان آنها شدند. گرایشات چپ، که در آمریکا تقویت شده، در اعتراضات و تظاهرات‌های اول مه زیر گرایش لیبرالی و نقش ارتجاعی حزب دموکرات پنهان ماند. برای مثال حتی مبارزه با سیاست ریاضت اقتصادی و به طور مشخص حداقل دستمزد ۱۵ دلار در ساعت در دستور کار قرار نگرفت. امسال از تحرکات باقیمانده "اشغال وال استریت" گزارشی (حتی در خود سایت این جریان) منتشر نشد. اما نقش این جنبش در بازپس گرفتن روز جهانی کارگر، در سطح توده‌ای، به داخل آمریکا، بر متن بحران سرمایه‌داری را نباید فراموش کرد.

### فرانسه:

آکسیون‌های اول مه در هر کشوری ویژگی‌های خود را داشت. یکی از بزرگترین این آکسیون‌ها در فرانسه انجام گرفت. در این کشور ۱۴۰ هزار نفر در تظاهرات‌های گوناگون اول مه در شهرهای مختلف شرکت کردند که بزرگترین آنها در پاریس بود:

هشتاد هزار نفر در آکسیون عظیم پاریس شرکت داشتند. اعتراض اصلی کارگران و مردم آزاده به تصویب قانون کار جدید بود که کابینه ضد کارگری و به اصطلاح سوسیالیست آنرا به نفع کارفرمایان به تصویب پارلمان رساند. موضوع مورد اعتراض دیگر رفتن یک دست راستی و یک فاشیست نژاد پرست به دور دوم

میلیون‌ها نفر در جهان برای گرامیداشت روز جهانی کارگر، در راه پیمایی‌ها، اعتصابات و اعتراضات بسیاری شرکت کردند. در اینجا به چندین آکسیون مهم در جهان (و از جمله ایران) اشاره می‌شود:

(اخبار جهانی که قبلاً آنرا در صفحه فیس بوکم پست کردم و در برنامه "همراه با بینندگان" حزب کمونیست ایران نیز پخش گردید، در اینجا غنی‌تر شده و با ارزیابی‌های کوتاه همراه شده است)

### آمریکا:

با اینکه منشا اول مه در مبارزات کارگران آمریکا ریشه دارد، اما بورژوازی این کشور روز جهانی کارگر را به رسمیت نشناخته است. دولت آمریکا اولین دوشنبه ماه دسامبر را به عنوان "روز کار" تعطیل عمومی اعلام و وارد تقویم خود کرده است. اما عظمت "روز اول مه" چنان بوده و هست که در ۱۹۲۱ بر آن نام "روز وفاداری" نهادند. با اینحال آکسیون‌های بزرگی در بزرگداشت روز جهانی کارگر، و نه "روز وفاداری"، در خیابان‌های شهرهای آمریکا به نمایش درآمد که بزرگترینشان در لس آنجلس بود. در این شهر دهها هزار نفر در مقابل شهرداری تجمع کردند و خواهان لغو سیاست‌های ضد کارگران مهاجر و دیپورت آنها شدند. سخنرانان اصلی این گردهمایی سران اتحادیه‌های پشتیبان حزب دموکرات و شهردار شهر بود که او نیز از اعضای حزب دموکرات می‌باشد. همین امر سبب شد که ضدیت با سیستم سرمایه‌داری، که در آمریکا و بویژه در میان جوانان تقویت شده انعکاس چندانی نداشته باشد؛ اما خود کشیده شدن حزب دموکرات در چنین مراسم مهمی به دنبال مطالبات کارگران آگاه نمایانگر تقویت چپ (به هر درجه‌ای) در جامعه است.

گسترده‌گی آکسیون‌ها در شهرهای آمریکا در این روز به حدی بود که ترامپ ناچار شد راجع به روز جهانی کارگر و نه "روز کار" حرف بزند. او اظهار داشت که روز اول مه روز "روز وفاداری" بزه ارزش‌های بورژوازی و پرچم آمریکاست؛ است. در واقع آن بخش از بورژوازی "قربه" و جنگ طلب آمریکا، که ترامپ نماینده آنهاست، ضروری میدانند

به میدان آمد. پلیس سرکوبگر (که تعداد آنها ۳۰ هزار ذکر شده) به طرف تظاهر کنندگانی که در استانبول فریاد میزدند: "نه به دیکتاتور" و "زند باد اول مه" گاز اشک آور، گلوله پلاستیکی شلیک کرد و تیراندازی هوایی نمود. تظاهر کنندگان نیز در برابر این حملات ددمشانه از خودشان دفاع نمودند. درنده خویی پلیس آنجا به اوج رسید که با نیروهای چپی درگیر شد که به طرف میدان محاصره شده تقسیم می رفتند. آنها با به گردش در آوردن پرچم های قرمز و با سر دادن شعار "میدان تقسیم از آن ماست و خواهد ماند" شجاعانه با پلیس مهاجم درگیر شدند. نیروی سرکوبگر پلیس و امنیتی تعدادی از معترضین را حین انجام آکسیون ها دستگیر و شماری را نیز در حملات شبانه به خانه هایشان دستگیر نمودند. تعداد دستگیر شدگان ۲۰۰ نفر تخمین زده شده اند.

### چاکارتا (اندونزی):

کارگران معترض صف پلیس، که راه آنها به طرف کاخ ریاست جمهوری را سد کرده بودند، مورد هجوم قرار دادند تا مطالبات خود را به طریقی حق طلبانه و رزمنده به گوش مقامات برسانند. بخشی از مطالبات چنین گزارش شده است: بهبود بیمه های اجتماعی (شامل بیمه درمانی مجانی)، افزایش دستمزد، ممنوعیت بیرون سپاری.

### توکیو (ژاپن):

تظاهر کنندگان خواهان پایان اضافه کاری و توقف اصلاح قانون اساسی به نفع میلیتاریسم شدند

### هنگ کنگ:

تظاهر کنندگان به برخورد غیر انسانی به کارگران خانگی مهاجر اعتراض داشتند.

### یک جمع بندی کلی:

رسانه ها طبق معمول اساسا خواستهای عموما صنفی معترضین و تظاهر کنندگان روز جهانی کارگر را گزارش کرده اند. این گزارش ها که بسیار جانبدارانه تنظیم میشوند در بهترین حالت آکسیون های سازمان یافته توسط اتحادیه ها و احزاب سوسیال دموکرات را وسیعا پوشش میدهند و از طریق آنها آکسیون های چپ ها، به دلیل کوچکیشان را، در سایه قرار می دهند. نشریات چپی در غرب نیز معمولا در تهیه گزارشات اعتراضات و ارزیابی از آن سهل انگارند. با اینحال گزارشات معدود چپی ها نیز نشان میدهد که اتحادیه ها قادر شدند شعارها و مطالبات کارگران در آکسیون های



ملی و منطقه ای و چه در سطح جهانی را ابراز نمودند.

### مسکو (روسیه):

کارگران، اعضای اتحادیه ها و حزب کمونیست با پرچمهای قرمز در میدان سرخ رژه رفتند. پلیس حاضرین را ۱۳۰ هزار نفر حدس زد که طبق تخمین آنها ۳۵۰۰ نفر آنها هوادار حزب کمونیست بودند. اتحادیه های رسمی که از پشتیبانی ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور، برخوردار گشتند ادعا کردند که دو و نیم میلیون نفر در سراسر کشور به فراخوان های آنان پاسخ داده اند. شعار رسمی آنها "زندگی، کار و مزد مناسب" بود که معلوم نشد چه سطحی از زندگی، چه نوع کار و چه میزان دستمزد از نظر آنها "مناسب" است. آنها شعار دولتی مبارزه با تروریسم را چاشنی مسایل کارگری کرده بودند. ۳۳۵ هزار پلیس و گارد دولتی در سراسر کشور تظاهر کنندگان را می پائیدند. کلا گزارش ها حکایت از آن دارد که این مراسمها به صورت سنتی انجام گرفته و اعتراضات و مطالبات واقعی کارگران را منعکس نکرد.

### داکا (بنگلادش):

بهبود شرایط کار، افزایش دستمزد و تامین شغل بیشتر از مطالبات کارگران بود  
آفریقای جنوبی: کارگران با هو کردن ژاکوب زوما، رئیس جمهور، را مجبور کردند تا سخنرانی برنامه ریزی شده اش در آکسیون اول مه را لغو کند.

سئول (کره جنوبی): کارگران مخالفت خود را با کار موقت و "شرکتهای پیمانی" ابراز کردند و خواهان ازدیاد دستمزد و مزایایشان گردیدند.

بنگلور (هندوستان): اعضای اتحادیه ها در لباس قرمز رژه رفتند

استانبول (ترکیه): اعتراضات ماه مه امسال در شرایط ویژه ای برگزار شد. اکنون حزب اسلامی عدالت و توسعه با اتکا به دیکتاتوری عریان کشور را اداره میکند. در چنین شرایطی جنبش کارگری امسال نیز با دفاع شجاعانه از آزادیهای مدنی، ضدیت با استثمار و مبارزه علیه استبداد

### اسپانیا:

به دعوت اتحادیه های کارگری مراسمها و آکسیون های بزرگ کارگری در ۷۰ شهر برگزار گردید. توقف طرح رسوای تغییر قانون به نفع کارفرمایان، کار تضمین شده و با ثبات، افزایش دستمزد و افزایش حقوق بازنشستگی از خواست های کارگری بود و در شعارهای راه پیمایان منعکس گردید.

### بریتانیا:

آکسیون های اصلی توسط اتحادیه ها سازمان داده شد و یکی از سخنران اصلی آنتونیو کوستا، نخست وزیر، از حزب سوسیالیست بود که گفت: "برای داشتن اقتصاد رقابتی لازم نیست حتما به کارگران دستمزد کم پرداخت شود و سطح منافع کارگری کاهش یابد." این نخست وزیر، که مورد حمایت "بلوک چپ" و حزب کمونیست پرتقال می باشد از نوامبر ۲۰۱۵ که قدرت گرفته به قول گزارشگران "نفسی به دولت رفاه در حال نزع دمیده است."

### ایتالیا:

تظاهر کنندگان در کلیه شهرها شعار اصلیشان در "شغل ریشه و آینده ماست" خلاصه شد. در سوسیال تامین حکم قانون (علیه مافیا) به مطالبه اصلی اضافه گردید. در این شهر کارگران یاد کارگرانی را گرامی داشتند که ۷۰ سال پیش در اعتراض علیه شرایط وحشتناک کاریشان در اول مه در حومه سوسیال توسط باندهای حامی ملاکین قتل عام شدند. پلیس در تورین و میلان به چپ ها حمله کرد و جواب گرفت. در رم آکسیون بزرگی گزارش نشد.

### لندن (انگلستان):

روز دوشنبه اول ماه مه ۲۰۱۷ میلادی شهر لندن همچون سالهای پیشتر شاهد رژه باشکوه اتحادیه های کارگری، نیروها و جریانهای چپ و کمونیست و همچنین خیل وسیعی از انسانهای مبارز و آزاده بود.

راهپیمایی به سنت همیشگی از کتابخانه مارکس شروع و پس از دو ساعت راهپیمایی به میدان مرکزی شهر لندن، ترافالگار منتهی شد. در طول این راهپیمایی هزاران تظاهر کننده با شعارهای "زنده باد همبستگی بین المللی کارگران جهان"، "زنده باد اول ماه مه"، "کارگران متحد هرگز شکست نمیخورند"، "نه به ریاضت اقتصادی"، "نه به جنگ امپریالیستی"، "زنده باد صلح" و دهها شعار دیگر ضمن بنمایش گذاشتن همبستگی خود، مخالفت خود با سیاستهای اقتصادی و سیاسی سرمایه داران چه در حوزه

⇨ اعتراضی روز جهانی کارگر را در چارچوب مسایل صنفی نگهدارند.

به دلیل بحران عمیق رو به افزایش سیستم سرمایه داری و توسل آن به سیاست ریاضت اقتصادی دائم التزاید قاعدتا و به حکم دوران طبقه کارگر نمی تواند در درون مسایل صنفی محدود بماند و رفرمیستی فکر کند. آنها ناچار خواهند شد در مسیر مبارزات خود هر رفرمی را گامی به حساب آورند که آنها را به سوسیالیسم نزدیک کند.

در شرایطی که ۸ نفر معادل ۳ و نیم میلیارد نفر ثروت دارند و در میان کوهها ثروت و مواد غذایی اضافی یک میلیارد نفر گرسنه میخوانند، در شرایط اوضاع سیاسی اسفبار، جنگ های محلی و بی افقی بورژوازی چه راهی جز نجات بشریت از طریق استقرار سوسیالیسم باقی مانده است؟

سرمایه داری در میانه نئولیبرالیسم بی افق (اروپا)، در هم آمیختن نوعی کینزیسم با نئولیبرالیسم (چین) و نئولیبرالیسم مغلوب و پناه برده به پروتکشنیسم (آمریکا) سرگردان است. رهبران امپریالیسم هار آمریکا چند دهه پیش قول دادند به "حکم خدا" و مانند رومیان ۵۰۰ سال دنیا را در آرامش و رونق نگاه خواهند داشت. آنها با آفریدن فاجعه عراق، افغانستان، لیبی و درست کردن زمینه برای جنگ نابودگر سوریه، ظهور "داعش" ها و فاجعه های زیست محیطی بشریت را در معرض مصائب بشمار و هم خود دولت آمریکا را در حالتی از سقوط آزاد قرار دادند. این دولت در حالتی از بن بست و در شرایط درهم ادغام شدن سرمایه های کلان حتی قدرت برافروختن جنگی در مقیاس جنگ جهانی دوم، برای خروج از بحران را ندارد. در چنین شرایطی طبقه کارگر نیز در عدم آمادگی غرقه است و این سرچشمه آشفستگی های سیاسی در دنیاست.

## ایران:

باید دید در پرتو اوضاع برگزاری مراسمها در جمهوری اسلامی چه تناسبی را نشان می دهند: (این اخبار از سایت های کارگری اخذ و کوتاه شده اند)

گرامی داشت مراسم اول ماه مه ، امروز یازده اردیبهشت توسط تعدادی از رانندگان و اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد از ساعت ۱۲ در پایانه آزادی برگزار شد. اعضای سندیکا شکلات و یک عدد خودکار که بر روی آن نوشته شده بود "زنده باد سندیکا" و "زنده باد اول ماه" را به رانندگان هدیه دادند. روزنامه ای مستقل در صفحه اول از طریق مصاحبه با

دو تن از اعضای سندیکا به مشکلات معیشتی و برخورد های پلیسی با سندیکا پرداخته بود. در صفحه دوم هم قطعنامه مشترک سندیکای واحد، نیشکر هفت تپه و کمیته هماهنگی را به چاپ رسانده بود. رانندگان این روزنامه را به همکاران دادند. عوامل لباس شخصی چندین بار به کارگران حمله ور شدند تا خودکار ها و شکلات را بگیرند که با مقاومت رانندگان و اعضای حاضر روبرو شدند و کوتاه آمدند.

این مراسم، که هر سال در این مقیاس محدود برگزار میشود، این ظرفیت را دارد که در جغرافیایی وسیعتر به میان کارگران دیگر و مردم برده شود.

گزارش مراسم روز جهانی کارگر در مقابل مجلس شورای اسلامی

صبح روز ۱۱ اردیبهشت جمعه ایی از کارگران علیرغم ممانعت شدید نیروهای انتظامی موفق به تجمع در مقابل مجلس و بر پایی مراسم مستقل روز جهانی کارگر شدند.

کارگران شرکت کننده در مراسم با باز کردن بنر هایی در رابطه با گرامیداشت روز جهانی کارگر و تصاویر اسماعیل عبدی و بهنام ابراهیم زاده اقدام به آغاز مراسم نمودند که با عکس العمل ماموران برای جمع کردن بنرها و پلاکاردها مواجه شدند. در ادامه این کشمکش و در حالی که کارگران بیشتری به تجمع می پیوستند، نیروهای انتظامی مجبور به پذیرش قرائت قطعنامه از سوی تجمع کنندگان و سپس پایان مراسم شدند.

مراسم با کف زدن و دادن شعارهای زنده باد اول ماه مه، روز کارگر روز ماست - خیابان از آن ماست، در مقابل مجلس پایان گرفت و کارگران شرکت کننده در حالی که در محاصره نیروهای انتظامی بودند اقدام به راهپیمائی به سوی مترو بهارستان و سر دادن شعار کردند و در پایان بار دیگر با ایستادن در مقابل مترو و سر دادن شعارهای مختلف به مراسم خود پایان دادند. مامورین امنیتی اقدام به بازداشت واله زمانی کردند.

(از اینجا بعد اخبار درج شده در سایت پیام مستقیم و بدون دستکاری نقل شده اند.)

## دماوند:

به گزارش رسیده، روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه، شماری از زنان و مردان آزادیخواه شهر دماوند با برپایی مراسمی، روز جهانی کارگر را گرامیداشتند.

این مراسم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و برابری و تمامی کارگران جانباخته آغاز شد. در ادامه

یکی از حاضرین درباره روز کارگر، مشکلات کارگران و بیکاری های فراوان سخنانی ایراد نمود. سپس یکی از شرکت کنندگان به همین مناسبت قطعه شعری را به حاضرین تقدیم نمود. این مراسم با پخش شیرینی و در میان شور و شوق حاضرین به پایان رسید.

## پخش هزاران کارت پستال به مناسبت روز جهانی کارگر در شهر سنندج

بنا به گزارش دریافتی، طی روز های گذشته و در آستانه اول ماه مه و برای استقبال از این روز، اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و فعالین کارگری اقدام به پخش گسترده کارت پستال هایی به این مناسبت کردند.

صبح روز جمعه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۶ جمعی از کارگران ، خانواده های کارگری و تعدادی از فعالین کارگری در یک راهپیمایی از میدان گاز سنندج به سمت میدان «کوزه به شان» به استقبال اول ماه مه رفتند. این در حالی بود که در طول مسیر با توجه به حضور نیروهای امنیتی و حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی که سعی در متشنج نمودن مراسم داشتند، راه پیمایی ادامه یافته و بیانیه ای در سطح وسیع میان کارگران و خانواده هایشان تحت عنوان «بیانیه کارگران و خانواده های کارگری سنندج و حومه» پخش گردید و مورد استقبال وسیع شرکت کنندگان در مراسم قرار گرفت. این کاملاً از نهادهای دولتی و طرفدار دولت مستقل بود.

عصر روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه مصادف با اول ماه مه، مراسم روز جهانی کارگر با حضور جمعی از کارگران خباز سنندج، برگزار گردید. این مراسم با تبریک روز کارگر به همه کارگران و خانواده هایشان شروع شد، سپس یکی از حاضرین به تفصیل، وضعیت کنونی نظام سرمایه داری و موقعیت کشورهای بحران زده بخصوص وضعیت طبقه کارگر و همچنین مساله فقر و بیکاری در کردستان پرداخت. در پایان وضعیت معیشتی کارگران خباز به بحث و گفتگو گذاشته شد و با اعتراض نسبت به عدم افزایش سه ساله دستمزد کارگران خباز، و اعتراض نسبت به سیاستهای دولت در قبال کارگران و همچنین به مساله سخت و زیان آور بودن کار همه کارگران شاغل در کارگاه های خبازی پرداخته شد و خواستار احتساب شغل تمامی کارگران خباز بعنوان سخت و زیان آور شدند. این مراسم با سخنرانی سه تن دیگر از کارگران ادامه پیدا کرد. در نهایت مراسم که بیش از یک ساعت به طول انجامید با پخش شیرینی در میان شادی و شغف



کارگران و در فضایی امنیتی و با حضور نیروهای انتظامی به پایان رسید.

### سقز:

در ادامه فعالیت های وسیع تبلیغی به مناسبت روز جهانی کارگر در سقز، جمعی از کارگران و فعالان اقدام به ادامه این فعالیت ها به مناسبت اول ماه مه نمودند.

جمعی از کارگران و فعالان شهر سقز از نزدیک به ۸ روز پیش از اول ماه تا ۱۱ اردیبهشت، با پخش تراکت در سطح وسیعی از این شهر اول ماه مه را گرمی داشتند. در همین راستا تراکت های بسیاری با مضامین "گرمی باد روز جهانی کارگر"، "روز جهانی کارگر بر تمام کارگران و زنان و مردان انقلابی گرمی باد" و "گرمی باد اول ماه مه، روز همبستگی طبقه کارگر" در بسیاری از خیابان، میداين و محلات این شهر همچون "میدان بزرگ میوه و تره بار، شریف آباد، خیابان دکتر خالدی، شهرک دانشگاه، کمربندی، میدان مادر، پارک مولوی، ساحلی، میدان حمام حاج شریف، حوالی کتابخانه عمومی، بازار تاجوانچی، میدان عقاب، حوالی مسجد جامع، پل هوایی، چهارراه آزادی، خیابان شهدا، مرکز اتوبوسرانی، مسیر زندان سقز تا اطراف پادگان و شماری دیگر از محلات و کوچه های این شهر پخش گردید.

به گزارش رسیده روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه صدها نفر از زنان و مردان کارگر و آزادیخواه شهر سقز از ساعت ۷ بعدازظهر به مناسبت گرامیداشت اول ماه مه روز جهانی کارگر به صورت راهپیمایی از میدان آزادی شهر به سوی میدان "هه لو" حرکت کردند.

گزارش مزبور می افزاید، در جریان این راهپیمایی نیروهای انتظامی و لباس شخصی به سوی فعال کارگری "محمود صالحی" یورش برده و ضمن تذکر به وی از او خواستند که به راهپیمایی و برگزاری مراسم پایان دهد، در غیر اینصورت بازداشت خواهد شد. محمود صالحی بدون توجه به اخطار آنها به راهپیمایی ادامه داده تا اینکه ۵ نفر از ماموران به وی حمله کرده و با زور قصد داشتند نامبرده را با خود ببرند، ولی در نتیجه اعتراض و دخالت زنان و مردان شرکت کننده در راهپیمایی، تلاش ماموران برای بازداشت محمود صالحی بی نتیجه ماند. زنان و مردان مبارز پس از آزادی

محمود صالحی به راهپیمایی خود به طرف میدان هه لو ادامه دادند. بعد از تجمع در میدان هه لو بدون توجه به تهدیدات ماموران به مدت نیم ساعت مراسم اول ماه مه را برگزار کردند.

### هریوان:

بنا به گزارش رسیده، روز دوشنبه شماری از زنان و مردان آزادیخواه شهر هریوان به مناسبت فرا رسیدن اول ماه مه روز جهانی کارگر مراسمی را در پارک "گلان" این شهر برگزار کردند.

مراسم ابتدا با خوش آمد گویی مجری برنامه به شرکت کنندگان و سرود انترناسیونال سرود همبستگی جهانی طبقه کارگر و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی آغاز شد. سکوت با قرائت دکلمه شعری از سوی مجری شکسته شد. در ادامه بیانیه مشترک کمیته هماهنگی برای ایجادتشکل کارگری، شرکت هفت تپه و سندیکای اتوبوسرانی تهران و حومه، توسط یکی از حاضرین قرائت شد. در ادامه حاضرین به بحث و گفتگو در مورد روز جهانی کارگر پرداختند. این مراسم با پخش شیرینی در میان شور و شوق حاضرین بعد از چند ساعت به پایان رسید.

### پایه:

به گزارش رسیده، روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه، مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر با شرکت جمعی از زنان و مردان آزادیخواه پایه برگزار شد.

این مراسم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی آغاز شد. به دنبال یکی از حاضرین در مورد روز اول ماه مه سخنانی ایراد نمود. سپس یکی دیگر از شرکت کنندگان به بحث و گفتگو در همین مورد پرداخت. این مراسم با پخش شیرینی و سر دادن شعار "زنده باد اول ماه مه" در میان شادی حاضرین پایان یافت.

### مضحکه مراسم های دولتی:

کاردستان روز دهم اردیبهشت به مناسبت روز جهانی کارگر تعدادی کارگر دست نشان شده، کارفرما و ماموران مزدور را نزد خامنه ای بردند. او خطاب به آنها سخنان ساده لوحانه ای

را بیان کرد. او مثل هر بورژوازی عقب افتاده ای کارگر را صرفا کسی به حساب آورد که کار و تولید کند و برای دولت سرمایه داری اسلامی و کارفرمایان سود تامین نماید. کارگر مثل یک انسان که حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارد و اگر از کار افتاد و یا بیکار شد همچنان کارگر و باید معیشت، حقوق سیاسی و کرامت انسانیش حفظ شود، از سخنان وی غایب بود. او دلیل روی گردانی از کار از جانب حدود ۴۰ میلیون انسان در جامعه را فضای دیکتاتوری سیاسی در جامعه و استبداد موجود در مراکز

کار به حساب نیاورد، بلکه این امر را ناشی از غیبت ارزش کار در جامعه دانست. او ادعا کرد که کارگران دشمنان خون به دل جمهوری اسلامی نیستند، بلکه خدمتگزار نظام هستند. دلیلش هم از نظر او این بود که کارگران در ۳۸ سال گذشته اعتصاب نکرده اند. زهی وقاحت! در رژیم اعتصاب غیر قانونی و حرام اعلام شده، کارگران در اینجا و آنجا به طور روزانه اعتصاب و اعتراض کرده است. کارگران در ایران ضد سرمایه داری و ضد جمهوری اسلامی و معترض هستند. آنها حتی در مراسم امسال که روز ۱۱ اردیبهشت بر سر قبر خمینی و با حضور روحانی برگزار شد این خصوصیات اعتراضی را از خود نشان دادند.

مراسم حکومتی روز جهانی کارگر بر سر قبر خمینی با شعارهای کارگران در اعتراض به پایمال شدن حقوق صنفی، سیاسی و انسانیشان روبرو گردید. کارگران معترض شعار می دادند: "عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، زندگی کارگر، رو به فناست امروز" و "عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، جامعهی کارگری، صاحب عزاست امروز." (به نقل از برنامه تلویزیونی "همراه با بینندگان" تلویزیون حزب کمونیست ایران)

کلا امسال مراسم ها، گردهمایی ها و راه پیمایی های روز جهانی کارگر شواهدی از رشد جنبش کارگری در ایران و ضد سرمایه بودن این جنبش را تا حدی به نمایش گذاشت.



سایت تلویزیون کومه له

www.tvkomala.com



سایت کومه له

www.komalah.org



سایت حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



از سایت های حزب

کمونیست ایران

و کومه له

دیدن کنید!

عباس منصوران

## ان جی اها و نقش و اهداف آنها



ان جی اها (NGO,S) با نام مستعار «سازمان‌های غیر دولتی» و به ویژه اهداف آنها برای بسیاری در ایران پدیده‌هایی ناشناخته مانده و گاهی با نام انجمن‌های مردم بنیاد همسان انگاشته می‌شود.

پیش از پرداختن به موضوع، اشاره به این نکته ضروری است که منظور نویسنده از «سازمان‌های غیر دولتی» در اینجا تنها آن گونه تشکلهایی می‌باشند که در جهان با نام خاص ان جی اها (NGO,S) نامگذاری شده و به هر روی سرانجام به بنگاه‌های اقتصادی - سیاسی مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، و دیگر ارگانه‌های اقتصادی و سیاسی سرمایه‌ی جهانی پیوند خورده‌اند. بنابراین انجمن‌های هم کف با جامعه و از پایین ساختار یافته و مستقل از دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای بورژوازی و جهانی را باید از این نهادهای مردمی جدا نمود. این دو ساختار، نه تنها در بنیاد در برابر هم قرار دارند، بل که از نظر اهداف که یکی مردمی و دیگری ضد مردمی است. بنابراین، انجمن‌های مردم بنیاد که به اشتباه در ایران ان جی اها خوانده می‌شوند، در تضادی آشفتنی ناپذیر با ان جی اها قرار داشته و دارند. ان جی اها، گزینه‌هایی اند نافی خود یاری مردم و به همین سبب، گزینش صفت «غیردولتی» به «ان جی اها» از سوی طراحان آنها، پوششی است انحرافی و از همین روی هدفمند، برای دستیابی به منفعی معین که در دستور کار دارند و به عهده‌ی آنها گذارده شده است. پیداست که پدیده‌ی ان جی اها، ان جی اها، را بایستی در مجال و از دید دیگری و نه تنها افشاگرانه مورد بررسی قرار داد - امری که آنگونه که باید در این نوشتار نمی‌گنجد. نگارنده این نوشتار، از سال ۱۳۷۹ به بررسی و پی‌گیری پدیده‌ی ان جی اها که با بررسی میشل لوی در آمریکای لاتین الهام گرفته شده بود برای نخستین بار در ایران پرداخت و اهداف و نقش ضد مردمی آنها را آشکار ساخت و سبب گردید تا به توان خویش، مبانی تئوریک آنها در ایران برای برخی از کوشندگان مبارزات طبقاتی و اجتماعی بازگشوده شود. دستاورد این تلاش ترجمه و نوشتارهایی در این زمینه بود که در سالهای ۱۳۷۸-۹ به بعد در ایران نیز بازتاب یافتند.

پیشینه ان جی اها به دهه چهل سده بیستم میلادی و اوج گیری آن‌ها به دهه‌ی ۸۰ بازمی‌گردد. آغاز روند گلوبالیزاسیون یا هجوم جهان گیر «اقتصاد بازار آزاد» و نئولیبرالیسم اقتصادی، پروژه‌ی «سازمان‌های غیر دولتی» را در دستور کار کارشناسان سیاسی - اقتصادی صاحبان سرمایه‌های چند جانبه قرار داد. بنابراین ان جی اها از مهمترین ابزار نئولیبرالیسم به شمار می‌آیند. در این راستا، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول با پشتوانه‌ی سازمان جهانی تجارت (WTO)، طراحان و تأمین کنندگان مالی و اجرایی این نهادها گردیدند. بنابه گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد: ۶۳ دفتر بانک جهانی به استخدام کارکنانی می‌پردازند تا امور ان جی اها را اداره کنند و برنامه‌های بانک جهانی برای درخواست مشارکت ان جی اها در درازای ۱۰ سال (دهه ۸۰ تا ۹۰ میلادی) از ۶ درصد به ۴۸ درصد افزایش یافت. سازمان ملل با ایجاد بخش‌هایی ویژه در ساختار خود، پیش برنده‌ی طرح ان جی اها گردید و زیر نام «جامعه مدنی» سلطه و میدان عمل اقتصادی و اجتماعی سرمایه‌های گلوبال را در گستره‌ی جهانی به ویژه در کشورهای پیرامونی سرمایه‌ی متروپل گسترش داد. هدف اصلی چنین رویکردی، گسترش بخشیدن به «مدیریت اقتصادی مبتنی بر نقش بازار آزاد» بود. با پایان یابی «جنگ سرد» بین دو بلوک غرب و سوسیالیسم موجود، در سالهای آخر دهه‌ی ۸۰ میلادی و خیز جهان گستری سرمایه به سوی شرق و هر آنجا که باید اشغال می‌شد و سلطه‌ی اقتصاد بازار آزاد، همخوان سازی دولت‌ها و تشکلهای اجتماعی مورد نیاز جهان گستری تهاجمی سرمایه که به نام «نظم نوین جهانی» در برهه دولت «بوش پدر» شناخته شد، در دستور کار قرار داد. می بینیم که ان جی اها در اینجا، ابزار الزامی رفع موانع در برابر گسترش بازار آزاد سرمایه بودند. بنا به گزارش بانک جهانی، ۴۱ درصد از پروژه‌های تصویب شده این بانک با شرکت ان جی اها، انجام گرفته است

به همانگونه که دولت‌های «رفاه» می‌بایستی به دولت‌های نئولیبرال تبدیل می‌شدند و تأمین خدمات اجتماعی به هزار ترفند و جنایت بازپس گرفته و بریده می‌شد و گروه‌های اجتماعی به ویژه بخش‌های آسیب پذیر، قربانیان شرایط «نظم نوین» می‌شدند، ان جی

### نامگذاری نهاد نئولیبرال ان جی اها در سازمان ملل

در سال ۱۹۹۸ در پایان سده بیستم، در حالیکه شمار این تشکلهای در سراسر جهان به ده‌ها هزار می‌رسید با بیش از ۴ میلیارد دلار بودجه، از سوی سازمان ملل، به این گونه تشکلهای ویژه، نام «ان جی اها» گذارده شد. تشکلهای به رسمیت شناخته شده به وسیله سازمان ملل دارای رتبه مشورتی هستند، به این معنا که در نشست‌های رسمی زیر

نمونه چاه بهار، کیش، قشم، بندرعباس، عسلویه، (به عنوان یکی از عظیم ترین سرچشمه های نفت و گاز ایران) و...

• کمک به شانه خالی نمودن دولت ها از پاسخگویی به بهداشت، درمان و آموزش و دیگر خدمات اجتماعی

• بازگذاشتن دست دولت ها در پرداخت بدهی های بخش خصوصی.

• همسازگردانی ساختاری (Structural Adjustment) به عنوان یکی از برنامه های محوری بانک جهانی، و بازار مشترک اروپا.

• کمک به تغییر کنوانسیون های (مواد) سازمان جهانی کار و کدهای قانونی کار که دستاوردهای سال ها مبارزه بوده اند، علیه کارگران. با راهبردها و مکانیزم هایی مانند: کار داوطلبانه، «غیردولتی»، «کار انسان دوستانه»، کار غیر مقرراتی و...

• به کارگرفتن کارگران روستایی و به ویژه زنان، بدون برخورداری از پوشش قانون کار و موازین بین المللی کار به بهانه های حمایت از «هنر کارهای دستی»، «همیاری، تعاونی تولید خرد، و...»، و رواج خوداستثماری تهی دستان شهر و روستا.

• ان جی اها با سازماندهی پروژه های «خودیار»، «حمایتی»، «بدون مرز» در شمار گروه های تولیدی خرد و میکرو و سستی در کشورهای پیرامونی از شکوفایی جامعه و آزاد سازی توان و پویه های اجتماعی جلوگیری می کنند.

• با پرداخت یارانه و سهم ناچیزی از سرقت و رانت به بخش کوچکی از افراد جامعه، اختلاف و رقابت سرمایه سالارانه ای را ایجاد و تشدید می کنند.

• به این روش، اتحاد طبقاتی و خودآگاهی و سازمانیابی کارگران را به رقابت، چنددستگی و پراکندگی می شانند و از این روی ان جی اها، ضد انقلابی، محافظه کار و بورکراتیک هستند.

• وابستگی به نهادهای مالی که، سرانجام به دولت ها، شرکت های چند ملیتی سرمایه، کنترل و نظارت دولت ها، بنگاه های مالی، همانند بانک جهانی، سازمان ملل، صندوق جهانی پول و... و ابسته و در پیوند هستند.

• برخلاف ادعا، «سازمان های غیردولتی»، غیر دولتی و مستقل نیستند، بل که نهادهای طبقاتی هستند که با تولید خرد و نیز در نقش بارآوران بورژوازی - هرچند در سنجه های خرد - و نیز در بررسی های نهایی به دولت های و سرمایه های بزرگ وابسته اند.

• ان جی اها در نقش رقیب دولت ها در زمینه اقتصادی و مدیریت به موازات دولت ها کارکرد یافته و در برخی موارد در پیشبرد برنامه های مالی و سیاسی و فراملیتی نقشی فراتر

به جز کمیته امداد امام خمینی (ره) که به تنهایی سالانه هزاران میلیارد تومان در قالب اعانه جمع آوری می کند، خیریه هایی که به شکل واقعی حاصل مشارکت داوطلبانه مردم است نیز بسیار زیادند. فقرستیزی شمایل اصلی سازمان های مردم نهاد را در ایران تشکیل می دهند. «ماهنامه جامعه پویا - فرزانه بنی هاشمی». او میدانند که ۳۳ درصد کل سرزمین ایران موقوفه و امپراتوری بزرگترین کارتل اقتصادی و بورژوازی مذهبی در جهان، آستان قدس رضوی است و کمیته «امداد» خمینی، بنیاد «مستضعفین» و نمونه های دیگر، که همگی بنگاه های سرمایه داری، استثمار و غارت به شمار می آیند، فقرستیزی که هیچ، بلکه به شدت فقر زا، فقر گستر و رباینده هستی و زندگانی کارگران و توده های زیر ستم هستند.

## سیاست ها، وظایف و اهداف ان جی اها

### الف - اقتصادی

• هموار سازی مسیر حرکت آزاد سرمایه در تهاجم و اشغال بازار جهانی بنا به مصالح و منافع اقتصاد بازار آزاد.

• ساده و آسان سازی گفتگو و پیوند بین نمایندگان تجارت جهانی به سرکردگی سازمان تجارت جهانی (WTO).

• گسترش قدرت نهادهای تجاری و فرهنگی سرمایه های چند جانبه.

• کاهش نقش نهادهای تخصصی سازمان ملل، مانند سازمان جهانی کار و دستبرد در کنوانسیون های تا کنونی در آنها به عنوان نهادهای اجرایی و خدماتی سازمان تجارت جهانی.

• ایجاد دولت کم هزینه (لاغر) و معافیت دولت ها از وظایف خدماتی در قبال شهروندان.

• فروگاهی و سرپوش گذاری اعتراضات مستقیم و مستقل طبقاتی حکومت شوندگان.

• وابستگی به بودجه های مالی بخش اجتماعی و به هرروی ابزار دست حکومت ها.

• پیشبرد خزنده برنامه و اهداف بازار آزاد اقتصاد، بدون مانع و مخالفت جدی و همراهی با پروژه های بانک جهانی از جمله: خصوصی سازی بخش های اقتصادی و خدماتی، اشغال بازار و برقراری بازار آزاد بهره کشی و سرقت، مقررات زدایی - «deregulation»، همخوان سازی ساختاری (Adjustment) یا بیکار سازی، سرازیر نمودن سیل واردات به کشورهای پیرامونی، و وامهای فلاکت بار.

• تقسیم سرزمین ها به مناطق آزاد اقتصادی (Free Trade Zones) و مناطق ویژه آزاد اقتصادی (Special Trade Zones) و ...

مجموعه های سازمان ملل شرکت کرده و در صورت برخورداری از حق ویژه می توانند گذشته از شرکت در نشست ها، در رای گیری ها نیز شرکت کنند.

هنگام درخواست رتبه ی مشورتی، کمیته ای در نیویورک به تصمیم گیری می پردازد، اما دولت های مربوطه به گونه ای می توانند از عضویت ان جی ا کشور خود جلوگیری نمایند و یا بر عکس با اعمال نفوذ در پذیرش ان جی ا مورد نظر خود نقش تعیین کننده ی داشته باشند. به نمونه تا کنون، با اعمال نفوذ حکومت اسلامی ایران، تشکیل های «سازمان دفاع از قربانیان خشونت» و «شبکه زنان» به رهبری معصومه ابتکار وابسته به دفتر ریاست جمهوری، در زمان کارگزاری محمد خاتمی در نقش رئیس جمهور از جمله ان جی ا هایی هستند که به وسیله سازمان ملل به رسمیت شناخته شده اند. سازمان ملل همه ساله لیستی از این تشکل ها را ارائه می دهد و آن ها نیز وظیفه مندند که گزارش عملکرد سالانه خود را به نشست ارائه دهند. در نشست ها، وظیفه ان جی اها دفاع از حکومت های خودی است. برای نمونه، کشورهایی همانند هندوستان و پاکستان هرکدام چندین ان جی ا وابسته به خود را دارند که در نشست های مختلف بر علیه کشور رقیب به فعالیت می پردازند. در زمان محمد خاتمی و پیش از آن رفسنجانی، دو نهاد دولتی زیر نام غیردولتی در سازمان ملل و دیگر ارگان ها و نشست های بین المللی، وظیفه داشتند که سازمانهای سیاسی اپوزیسیون را عامل خشونت و وابستگی حکومت را «قربانیان خشونت» معرفی کنند و یا در کنفرانس جهانی زنان در چین، زنان حکومتی را به رهبری معاون رئیس جمهوری و طاهره طالقانی گسیل دارند تا اسلام و حکومت اسلامی را مدافع حقوق بشر و زنان بشناسانند.

یکی از زنان بسیجی در زمینه تبلیغات در توجیه و تبلیغ ان جی اها چنین می نویسد: «در سال ۲۰۱۳، هفتاد درصد از حدود هزار و ۷۴۰ میلیارد دلار درآمد موسساتی که در حوزه فعالیت های اجتماعی کار کرده اند، از فروش خدمات به دولت حاصل شده است. این ارقام بیش از آنکه نشان دهنده سهم دولت در خرید خدمات باشد، نشان دهنده نقش سازمان های غیردولتی در نقش بازوی اجرائی دولت است؛ بازوانی قوی و موثر.» و مدعی است که در ایران اینچنین نیست. ان جی اها «بازوی اجرایی دولت نیستند» و می افزاید:

«واقعیت آن است که بخش مهمی از فقرستیزی در جامعه ایران بر عهده مردم است که عمدتاً از طریق خیریه ها به سرانجام می رسد.



از دولت‌ها بازی می‌کنند. به نمونه در گزارشی از آفریقا، آن‌جا ۵۷ درصد و در جنوب آسیا ۶۷ درصد از تمامی پروژه‌های مشارکتی، مالی و اقتصادی را در برمی‌گیرند.

• وظیفه دارند تا نمایش جلوه‌هایی از کاذبیت را از خود نشان دهند تا سرمایه در هدف نهایی به هدف پیشبرد مبادله‌ها و ارزش‌های کالایی بازار آزاد و جامعه مدنی خوددست یابد.

## ب- وظایف و اهداف سیاسی

• آزادسازی توان سرکوب و مدیریت حقوقی دولت‌ها با کاهش نقش آنها در مدیریت اقتصادی، خدماتی و اجتماعی و به عهده‌گیری (ظاهری) این وظایف.

• گسترش قدرت مانور دولت‌ها در مدیریت حقوقی و مقررات مناسبات استثمارگرانه مبتنی بر مالکیت بخش خصوصی و سرکوب.

• ایجاد نهادهای تقلبی، جعلی و وابسته زیر نام «جامعه مدنی»، به جای نهادهای مستقل و مردم‌بنیاد.

• عضوگیری از فعالین سیاسی و اجتماعی، به ویژه فعالین سابق جنبش‌های سوسیالیستی و کارگری و به این وسیله ناتوان‌سازی و انحلال نهادهای مستقل و انقلابی.

• تبدیل فعالین سیاسی و اجتماعی به حقوق‌بگیران و دفترنشینان پشت‌گرم به خارج و سازمان ملل و نهادهای مانند آن.

• ایفای نقش سوپاپ اطمینان جهت تحمل‌پذیر ساختن، آرام‌سازی و تسکین و تخدیر جامعه در برابر شوک‌ها و زخم‌های وارده از سوی تهاجم سرمایه، گلوبالیزاسیون و دیگر الزامات سرمایه‌ی جهانی.

• ناتوان‌سازی و انحلال نهادهای خودپو و خودآگاه و مستقل مردمی، به هدف خاموش‌سازی و مهار اعتراضات و خواست‌های طبقاتی کارگران و زحمتکشان.

• اغوا و جذب بخشی از فعالین اجتماعی که به سبب ممنوعیت و محدودیت فعالیت‌های اجتماعی در کشورهایی مانند ایران می‌کوشند تا با پیوستن به آن‌ها در سطوحی از تخریب و ویرانی جامعه و محیط زیست جلوگیری نموده و از حکومت شونندگان دفاع نمایند. جذب و اغوای بسیاری از روشنفکران، افراد دمکرات، فعالین اتحادیه‌های صنفی و کارگری، سازمانهای توده‌ای، مدافعین حقوق انسانی زنان و کودکان و... در مقابله با خودآگاهی و سازمانیابی مستقل مردمی و طبقاتی.

• سیاست‌زدایی و سترون‌سازی جامعه از اعتراض‌های طبقاتی و مبارزات سیاسی و

آزادبیشخ.

• همخوسازی طبقات، و لایه‌های فرودست اجتماعی به گروه‌هایی از صدقه‌بگیران، چشم‌به‌راهان دست‌نیکوکاران دروغین، چشم‌انتظاران «آش‌نظری» و «بلاگردان‌ها» و بخشش‌های «سخاوتمندانه» وام‌پردازان.

• برپاکردن صندوق‌های خیریه آن‌هم ربوده شده از آخرین لقمه‌ی نان گرسنگان و دردمندان بی‌پناه زنجیر امید‌واهی بسته به «معجزه‌ی» مرقد امامزاده‌هایی که صندوق‌های فریب‌انگلی‌های حاکم هستند.

• جلوگیری از خودآگاهی و رشد اندیشه طبقاتی کارگران و توده‌های زیرستم طبقاتی، از دریافت ماهیت مناسبات بازار و بازداشتن آنها از خودآگاهی و پویه‌های انقلابی و سازمانیابی برای پیشبرد چالشی یکپارچه و آزادبیشخ علیه عوامل سیه‌روزی و رنج و فلاکت خویش.

• سوءاستفاده و وارونه‌سازی مفاهیم، واژه‌ها و ادبیات انقلابی به قصد تهی‌سازی آنها از درون‌مایه و وظایف انسانی‌اشان با زبان چپ: «خودگردانی»، «برابری جنسیت»، «توسعه‌ی مداوم» و... هم‌نوا می‌شوند و در همدستی و پیوند با شبکه یا امپردازان و عوامل دولتی، فعالیت عملی را زیر سیاست اعتراض‌زدایی می‌کشاند.

• بازپرداخت یارانه‌ی ناچیزی از سهم سرقت و رانت به بخش کوچکی از افراد جامعه اختلاف و رقابت سرمایه‌سالارانه‌ی را ایجاد و تشدید کرده تا اتحاد طبقاتی، خودآگاهی و سازمانیابی را به چنددستگی و پراکندگی و رقابت بکشاند و از این روی اسارت آور، محافظه‌کار و بوروکراتیک‌اند.

• با دورنمودن توجه و تمرکز خواست‌ها و مبارزات توده‌ها برای بر خورداری از حق تأمین خدماتی و اجتماعی، مردم را به خوداستثمار می‌کشاند.

• به عنوان بال‌چپ رژیم‌های نئولیبرال، کشورهای پیرامونی را به وامداران بانک‌های جهانی و خصوصی فرو می‌برند.

• حکومت‌شوندگان را به پروژه‌ها درگیر می‌سازند، تا به جنبش‌ها روی نیاورند.

• به رهنمود و الگو، پشتوانه‌ی ارگان‌های جهانی وابسته به دولت‌ها بوده و از بالا تشکیل می‌یابند و نه با ابتکار خودپو و خودجوش و سازمان‌یاب مردمی از درون جامعه.

• درگفتمان و هماهنگی با دولت‌ها، عمل اعتراض را به همزیستی و «مدنی» بودن می‌کشاند، تا به جای عمل مستقیم طبقاتی، سیاست‌زدایی و سازگاری با ساختار قدرت سیاسی حاکم در سطح بومی و بین‌المللی را رواج دهند.

• جامعه مدنی، نام رمز سه‌سازه‌ی جامعه‌ی طبقاتی است که حکومت و بازار سرمایه، دویایه دیگر آن به‌شمار آمده تا سوخت و ساز مناسبات استثماری همچنان بردوام ماند.

• گماشتگان و کارگزاران دولت‌های نئولیبرال و قدرت‌های کارگزار گلوبالیزاسیون هستند که در سطوحی خرد و نازک و نرم، چنین وانمود می‌کنند که وظایف «دولت‌های رفاه»، «گذشته‌های در گذشته» و به‌گونه‌ای کاریکاتوریستی، نقش «نهادهای جامعه مدنی» را ایفا می‌کنند.

• تثبیت گرانه به هدف حفظ واقعیت عینی و جلوگیری از رشد سازمانیابی نیروهای دگرگون‌ساز و برهم‌زنندگان واقعیت عینی، یعنی طبقه کارگر، وظیفه دارند.

• پیش‌گیری از امکان دخالتگری فعال و پیش‌تاز و مستقل «اقدام خاص» کارگران و زحمت‌کشان با تبلیغ این فریب که آسایش و آزادی ستم‌دیدگان به دست سارقین و استثمارگرانی همانند نهادهای سیاسی و مالی سرمایه جهانی امکان‌پذیر است.

• اشغال جامعه با شبکه‌های گوناگون از انواع تشکلهای کارپذیران‌جی‌اُد رقابت با سازمان‌یابی گزینه‌های خودپو و شورآرایانه کارساز را در برنامه دارند.

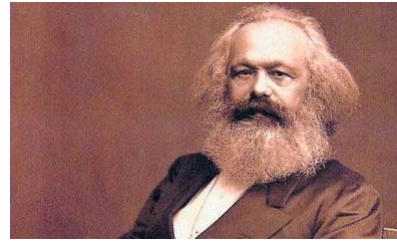
• به این سیاهه می‌توان سیاست، هدف و وظیفه را افزود.

برای استوارسازی جایگاه آن‌جی‌اُها، وام‌های بانک جهانی به کشورها، مشروط به آن است که بخشی از این وام‌ها به این سازمان‌های غیردولتی پرداخت شود. در سفری سیاسی به دعوت شبکه بین‌المللی کارگری که به بنگلادش داشتیم در دیدارهایی که با رهبران سوسیالیست جنبش کارگری دریافتیم که تا سال ۲۰۰۰ میلادی در بنگلادش بیش از دو هزاران جی‌اُ برپا شده بود، به گونه‌ای که می‌توان گفت آن جی‌اُها اداره این کشور بیش از ۱۰۰ میلیونی و فقیر را در دست دارند. روز ۲۳ مارس سال ۲۰۰۰، برای بازدید بیل کلینتون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، از کارکرد آن جی‌اُها و قرار داد نفت و گاز تازه کشف شده بنگلادش برنامه ریزی شده بود و بزرگترین آن جی‌اُهای جهان در بنگلادش، رئیس‌جمهوری آمریکا و دیگر حکومتگران سرمایه را میزبان هستند.



فرشید شکر

## یاد کارل مارکس برای همیشه جاودانه است!



کسی که همراه با رفیق و هم‌زمش، فردریش انگلس، به سوسیالیسم پایه ای علمی بخشید، کارل مارکس بود. او نوشت: «در حالی که از یک سو، سوسیالیسم تخیلی و مکتبی که کل جنبش را تابع یکی از لحظه های آن میکند، و فعالیت مغزی فضل فروشان را به جای تولید اجتماعی می‌نشانند، مبارزه ی انقلابی طبقات را با همه ی ضرورت های آن حذف می‌کند و در حالی که این سوسیالیسم مکتبی که در باطن کاری جز ایده آلیزه کردن جامعه ی موجود انجام نمی‌دهد... این سوسیالیسم را پرولتاریا طرد و به خرده بورژوازی واگذار می‌کند... پرولتاریا بیش و پیش تر به گرد سوسیالیسم انقلابی، به گرد کمونیسم که برای آن بورژوازی نام بلانکی را اختراع کرده است، جمع می‌شود. این سوسیالیسم همانا اعلام تداوم انقلاب است. همانا اعلام دیکتاتوری طبقاتی پرولتاریا همچون نقطه ی لازم گذار به الغای کلیه ی روابط اجتماعی که متناظر این روابط تولیدی اند به انقلاب در همه ی ایده هایی که نتیجه ی این روابط اجتماعی اند.» (مبارزه ی طبقاتی در فرانسه)

کارل مارکس، این متفکر عالیقدر همه ی دورانها، تئوریسین و رهبر پرولتاریای جهان، و انقلابی بزرگ قرن نوزدهم میلادی در پنجم مه سال ۱۸۱۸ در "تریر" متولد شد. در آن تاریخ انسانی پا به دنیا گذاشت که اندیشه هایش نظام سرمایه داری، و ظالمان و ستمگران و استثمار کنندگان را به لرزه در آورد. او بهترین لحظات کل زندگی ارزشمندش را وقف تغییر در این جهان کرد. واقعیت اینست، علاوه بر متفکرین، تئوریسین ها و انقلابیون بزرگ مارکسیست مانند لنین، بسیاری از دانشمندان، شخصیت های مهم علمی جهان در حوزه های مختلف، و هنرمندان پرآوازه به نحوی از انحاء تحت تأثیر اندیشه های مارکس هستند و یا بخشی از فعالیت های علمی اشان را وقف تحقیق و مطالعه ی آثار مارکس کرده اند.

باری، مارکس در دانشگاههای بُن و برلین در رشته ی حقوق به تحصیل پرداخت، ولی چندی نگذشت که به مطالعه ی تاریخ و فلسفه روی آورد. او در سال ۱۸۴۲ درست زمانی که تصمیم گرفت در رشته ی فلسفه به کسب مقام استادی برسد، به سبب سربلند کردن جنبش

سیاسی ای که پس از مرگ فریدریش ویلهلم سوم به وجود آمده بود، به مسیر دیگری پا گذاشت. بنا به گفته ی انگلس، وی با همکاری کامپ هاوزن، هانزمن و تعدادی دیگر در کلن، نشریه ی راینیشه تسایتونگ را بنیاد نهاد، و بعد از مدتی در پائیز ۱۸۴۲ به سردبیری آن نشریه برگزیده شد. اگرچه راینیشه تسایتونگ در شرایط اختناق و سانسور انتشار می‌یافت، با این وصف سانسور نتوانست مانع از ادامه کاری آن شود. ناگفته نماند، مارکس در آغاز در زمره ی هگلیست های جوان بود، معهذاً در مدتی کوتاه به نقد افکار هگل مبادرت ورزید. مارکس در همین سالها با خواهر فون وستفالن که چندی بعد وزیر شد، ازدواج کرد و به اتفاق همسرش جنی، به پاریس کوچ کرد و در آنجا با همکاری آ. روگه «کتابهای سال آلمان-فرانسه» را منتشر نمود که در آنها انتشار سلسله آثار سوسیالیستی خود را با «نقد فلسفه ی حقوق هگل» آغاز کرد. سیستر با همکاری رفیق و همسنگر شهیر و پرآوازه اش فردریش انگلس، «خانواده ی مقدس» را علیه "برونو باوئر" منتشر ساخت که نقدی طنزآمیز و کوبنده علیه فلسفه ی ایده آلیستی آن دوران آلمان بشمار میرود.

بدنبال اینکه مارکس در سال ۱۸۴۵ بعلت آموزش اقتصاد سیاسی و همچنین انتقاد از حکومت پروس، با درخواست این حکومت از فرانسه اخراج شد، محل زندگی خود را به بروکسل انتقال داد و در آن دیار به زبان فرانسه «گفتمان درباره ی تجارت آزاد» را نگاشت. در سال ۱۸۴۷ هم «فقر فلسفه» را انتشار داد که نقدی است بر کتاب «فلسفه ی فقر» اثر پروڈن. مارکس در این زمان فرصت یافت تا در بروکسل اتحادیه ی کارگری آلمانی را تأسیس کند. هنگامی که او و رفقاییش در سال ۱۸۴۷ به اتحادیه ی مخفی کمونیست ها ملحق شدند، فعالیت هایش از اهمیت وافری برخوردار شدند. در آن هنگام همه جا اتحادیه‌های کارگران آلمان تشکیل شدند، و «بوند» ظهور کرد. شایان ذکر است همه ی رهبران اتحادیه‌های کارگری در انگلستان، بلژیک، فرانسه و سوئیس و در اکثر اتحادیه‌ها که در آلمان به وجود آمدند، از اعضا بوند بودند. نقش بوند گسترش جنبش کارگری آلمان و برجسته کردن ماهیت بین

المللی جنبش کارگری بسی بالا بود. در سال ۱۸۴۸ «مانیفست حزب کمونیست» بوسیله ی مارکس و انگلس نوشته شد و برای نخستین بار پیش از فرا رسیدن انقلاب فوریه انتشار یافت که تا کنون به تمامی زبان‌های زنده ی جهان برگردانده شده است. مانیفست حزب کمونیست یکی از برجسته ترین متن های سیاسی دنیا به شمار می‌رود. بی تردید کمتر نوشته ای در حد و قواره ی این کتاب ظاهر شده، و کمتر اثری به اندازه ی آن بر کارگران آگاه تأثیر گذار بوده است. در قبل و بعد از مارکس، کتاب های متعددی در نقد نظام سرمایه داری نوشته شده اند، لیکن هیچیک از آنها قادر نبوده اند جذبه و کششی همانند مانیفست حزب کمونیست که بیان برنامه ی سیاسی و شارح رسالت تاریخی طبقه ی کارگر در بزیر کشیدن نظم وارونه ی کنونی است، داشته باشند. امروزه احکام مانیفست حزب کمونیست از هر زمان دیگری در مورد نظم اقتصادی-سیاسی فعلی صادق است. این عصر همچنان از همان قوانین پایه ای سرمایه داری تبعیت می‌کند که توسط مارکس و انگلس کشف شدند و در مانیفست حزب کمونیست برشته تحریر در آمدند. تضاد چشمگیر در این دوره که در تمرکز بیش از پیش ثروت و سرمایه در دست اقلیت ناچیزی از ساکنین زمین و به تبع آن عمیق تر شدن شکاف طبقاتی بروز یافته، و نیز مصائب و رنج های ناشی از این شیوه و مناسبات تولیدی همچون غوطه ور شدن چند میلیارد انسان در فقر و فاقه و گرسنگی، بیکاری، بی خانمانی، تجارت سکس و تن فروشی، اعتیاد، حملات مستمر طبقه ی سرمایه دار و دولت های این طبقه در سراسر دنیا به سطح زندگی و معیشت کارگران بویژه در دوره های بحران و آشفتگی سرمایه داری، جنگ و خونریزی و غیره، بسیار شدیدتر از زمان مارکس و انگلس میباشند که در زمان خود، توجه توده های کارگر را در مانیفست حزب کمونیست بدانها جلب نمودند.

هنگامی که انقلاب فوریه سبب پدید آمدن جنبشی توده ای در بروکسل شد، و به نظر می آمد بلژیک هم در آستانه ی تحولاتی قرار دارد، حکومت بلژیک مارکس را بی هیچ دلیلی دستگیر و از آن کشور اخراج کرد

ی عادلانه، سیستم دستمزد، اتحادیه های کارگری، یک حزب کارگری، منشاء خانواده - مالکیت خصوصی و دولت، لودویگ فویرباخ و پایان فلسفه ی کلاسیک آلمان، و همچنین آثار مشترکش با مارکس همچون خانواده ی مقدس، ایدئولوژی آلمانی، مقررات اتحادیه ی کمونیست ها، مطالبات حزب کمونیست در آلمان و ... محصول تلاش های فکری این همسنگر و یار وفادار مارکس است. انگلس حتا از لحاظ اقتصادی نیز مددکار مارکس و خانواده اش بود.

یقینا منزلت مارکس در جهان امروز و در میان مارکسیست ها و کمونیست ها، کارگران آگاه، و انسانهای تحت ستم ویژه است، زیرا چه در نظر و چه در عمل مسیر چگونگی نجات بشریت از مظالم موجود را مشخص کرد. مارکس بر این اعتقاد پایه ای بود که، مادام مناسبات و شیوه ی تولید سرمایه داری منهدم نگردد، سخن از رهایی کارگران و ستمکشان از اسارت بی معناست. فعالیت های کارل مارکس در حوزه های فلسفی، اقتصادی و سیاسی بی نظیر است.

مارکس به بهترین وجه آشکار نمود که ایده های ما اساسا انعکاسی از جهان پیرامون ماست و در خارج از ذهن ما وجود دارند. او ثابت کرد، سرمایه داران از طریق استثمار نیروی کار، و با زور و سرکوب و اعمال دیکتاتوری توسط دولت هایشان توانسته اند بر سرمایه، و ثروت و سامان خود بیفزایند. مارکس، «انقلاب سوسیالیستی» را بعنوان تنها راه تغییر زندگانی فلاکت بار پرولتاریا میدانست و همواره بر این عقیده پای میفشرد که بدون تحقق چنین امری، چرخ استثمار و ستم طبقات حاکم از حرکت باز نخواهد ایستاد.

یکصد و نود و نه سال از تولد این انسان بزرگ و عالیقدر می گذرد. هرچند دنیا در این دو قرن تحولات شگرفی بخود دیده، معذک باید با گفت، افکار و اندیشه های کارل مارکس فقط به دنیای قرن نوزدهم میلادی اختصاص ندارند و چراغ راهنمای بشریت برای همیشه اند. بگذارید مدافعین وضع موجود بدانند، آراء و آموزه های مارکس تا انهدام وجه تولید سرمایه داری بدست پرولتاریای جهان، از نسلی به نسل دیگر منتقل خواهند شد. بگذارید طبقات دارا و هیأت های حاکمه ی جهان بدانند روزی آرمان مارکس، انگلس، و لنین که رهایی کل بشریت از چنگال مناسبات سرمایه داری است، توسط توده های کارگر و استثمار شونده محقق خواهد شد.

تقابل با قدرت اشتراکی طبقات دارا، پرولتاریا تنها زمانی قادر است که به مثابه یک طبقه عمل کند که خود را در یک حزب سیاسی علیه کلیه ی حزب های طبقات دارا متشکل کند. این عمل، پیروزی طبقه ی کارگر را در راستای انقلاب سوسیالیستی و هدف نهایی آن، یعنی الغای همه ی طبقات، تضمین می کند.

با این حال برغم تمامی تلاش ها و مبارزات سیاسی و نظری مارکس علیه آن انحرافات، و یا طرح و تصویب برنامه ی انقلابی، بین المللی اول هیچگاه نتوانست به یک حزب بین المللی کمونیستی تبدیل شود. بخش های مختلف بین المللی اول در کشورهای مختلف هر یک تحت تأثیر گرایشات رویزیونیستی، آنارشیستی و... قرار گرفتند.

مارکس در ۱۸۶۷ جلد نخست «سرمایه» را منتشر ساخت که اثر اصلی و جاودانه ی وی می باشد. وی در این اثر گرانهاه بنیادهای نظرات اقتصاد سوسیالیستی، و نقد به جامعه ی موجود و وجه تولید سرمایه داری و تأثیرات آنرا برشته ی تحریر درآورد. فعالیت های تئوریک و سیاسی مارکس زیادند. آثار ارزشمندی که از سویی بنیان های فکری رهایی کارگران از زیر سلطه ی سرمایه را توضیح میدهد، و از سوی دیگر این واقعیت را به اثبات میرساند که وجه تولید سرمایه داری بدست طبقه ی کارگر آگاه به زیر کشیده خواهد شد. دست نوشته های اقتصادی و فلسفی، درباره ی مسأله ی یهود، تزهایی درباره ی فوئرباخ، مبارزه ی طبقاتی در فرانسه، گروندریسه، مقدمه ای بر نقد اقتصاد سیاسی، گذشته - حال و آینده ی اتحادیه های کارگری، جنگ داخلی در فرانسه، بی تفاوتی سیاسی، بی اعتنائی به سیاست، نقد برنامه ی گوتا و دهها و صدها اثر و نوشته ی دیگر که بسیاری از آنها هنوز به زبان فارسی ترجمه نشده اند، ثمره ی چند دهه مطالعه و تحقیق مارکس میباشند.

بی گمان، وقتی از مارکس نام میبریم، نمیشود از دوست و یار و یاور آن یعنی فردریش انگلس این اندیشمند بزرگ مارکسیست و رهبر کم نظیر فکری و عملی پرولتاریای جهان نام نبرد، زیرا انگلس سراسر عمر پربارش را به خدمت تکمیل مارکسیسم (سوسیالیسم علمی) درآورد. تألیف آثار درخشان مارکسیستی از جمله، وضعیت طبقه ی کارگر در انگلستان، اصول کمونیسم، انقلاب و ضد انقلاب در آلمان، مروری بر سرمایه - جلد اول، کارل مارکس درباره ی سرمایه، خلاصه ای از سرمایه، برنامه ی کمونارهای بلانکیست فراری، نقشی که توسط کار در گذار از میمون به انسان ایفاء شد، آنتی دورینگ، تکامل سوسیالیسم از تخیل به علم، مزد روزانه ی عادلانه برای کار روزانه

کرد. اینبار اما، حکومت موقت فرانسه از مارکس دعوت کرد تا به پاریس بازگردد. مارکس پس از کودتای دسامبر ۱۸۵۱ در فرانسه « هجدهم برومر لوئی بناپارت » را انتشار داد. او در سال ۱۸۵۳ مقاله ی «افشاء محاکمه ی کمونیست ها در کلن» را برشته ی تحریر درآورد.

بدنبال محکومیت اعضای اتحادیه ی کمونیست ها در کلن، مارکس از فعالیت های ترویجی و سیاسی دست کشید و حدود ده سال از عمرش را به تحقیق و بررسی در کتابخانه ی موزه ی بریتانیا در زمینه ی اقتصاد سیاسی اختصاص داد. البته در این مقطع با نشریه ی « نیویورک تریبون » همکاری میکرد و در این نشریه نه تنها گزارش هائی را با امضای خود نوشت، بلکه تعداد زیادی از سرمقاله های نیویورک تریبون در خصوص مناسبات اروپا و آسیا توسط او نوشته شدند و انتشار یافتند.

« نقد اقتصاد سیاسی » در مقام اولین ثمره و نتیجه ی مطالعات اقتصادی طولانی کارل مارکس در سال ۱۸۵۹ منتشر گردید. این اثر شامل نخستین توصیفات بهم پیوسته ی « تئوری ارزش مارکس » همراه با آموزش پول است. چند سال بعد، مارکس در سپتامبر ۱۸۶۴ به جلسه ی انجمن بین المللی کارگران در لندن دعوت شد. وی با شرکت خود در جلسه ی یاد شده، کار تشکیلاتی و سازمانی اش را در درون جنبش کارگری مجدداً آغاز کرد. انجمن بین المللی کارگران در دوره ای به خاطر پدیدار گشتن بحران های اقتصادی در سطح اروپا و مبارزات بین المللی کارگران، از جانب چندین اتحادیه ی کارگری در بریتانیا و فرانسه تأسیس شده بود. گرایش های فعال در آن اغلب از طرفداران و پیروان مازینی که از ناسیونالیست های ایتالیایی به شمار میرفت، پرودن (اصلاح طلب فرانسوی) و اوئن (سوسیالیست تخیلی انگلیسی) بودند. مارکس که مسئولیت نگارش اصول آن انجمن را پذیرفت، در دفاع از مواضع طبقه ی کارگر، با انحراف های موجود در آن زمان ( ناسیونالیسم و خود را وکیل و وصی طبقه ی کارگر دانستن ) درافتاد. با شروع دور جدید اعتصاب های کارگری و تعمیق بحران اقتصادی سرمایه داری در سالهای ۱۸۶۱ و ۱۸۶۷، مارکس موقعیت اش را در داخل بین المللی اول در مقابل گرایشات انحرافی، مستحکم تر ساخت. در این زمان مارکس در درون رهبری بین المللی ( شورای عمومی ) قطعنامه های مبتنی بر سیاست های سوسیالیستی و رادیکال را گذراند.

تأکید بر تحزب یابی کمونیستی کارگران در ایندوره از نو مطرح گردید. مارکس نوشت: « در





# پرسش

## (جهان امروز جواب می دهد:)

در این صفحه ویژه "جهان امروز" به پرسش خوانندگان نشریه پاسخ می دهد. شما خوانندگان گرامی، می توانید پرسش های خود را به آدرس نشریه بفرستید. کوشش ما بر آن خواهد بود تا آنجا که مقدور است، پاسخگوی پرسش های شما باشیم.

**پرسش: در رابطه با انتخابات حکومتی، از تحریم و تحریم فعال بسیار گفته می شود، و شما در رسانه ها و ارگان های خود خواهان تحریم فعال در انتخابات آیندوره دولت هستید. تفاوت تحریم و تحریم فعال چیست؟**

جهان امروز: به باور ما در این دو موضع گیری، تفاوت بسیاری است. تحریم کننده غیر فعال، در انتخابات شرکت نمی کند، شرکت را به سود خود نمی داند زیرا که نماینده ای از گرایش سیاسی خود را در آن نمی بیند. معترض حذف نمایندگان یا گرایش خود است، روش انتخابات، گزینش ها، نظارت «استصوابی» شورای نگهبان قانون اساسی مناسبات، و روبناهایی که گزینشی و یا به قول خود آنها مهندسی شده عمل می کنند را نمی پذیرد. این تحریم کنندگان، در صورت برآورده شدن و یا پذیرش شرط و شروط آنها، با رضایت خاطر در انتخابات شرکت می کنند و به سادگی از موضع تحریم به موضع شرکت و تحکیم در می غلتند. در میان چپ ها نیز دیده ایم که بارها از لغو «نظارت استصوابی شورای نگهبان» یعنی با اصل های ۹۸ و ۹۹ قانون اساسی حکومت اسلامی، و چگونگی تفسیر آن گفتگو دارند؛ در صورتیکه با اصل ۱۱۰ همین قانون که ولی فقیه را فراتر از هر قانون و ارگانی بین «الله» و «امت» قرار داده، سخنی نمی گویند. یعنی که خود حاکمیت را زیر پرسش نمی گیرند. در واقع با شرط التزام عملی به ولایت فقیه مخالفتی ندارند. آنان خواهان برداشتن فیلتر شورای نگهبان هستند یا استفاده از فیلتری که دستکم نماینده آنان از آن به درون سطل انتخابات عبور کند و در سیستم حکومتی کارگزار شود. نگرش رفرمیستی، پارلمانتاریسم یا بازی در دستگاه حکومتی سرمایه را می پذیرد، و طنز تلخ ماجرا آنجاست که مجلس اسلامی و دولت سرمایه داران حکومت باندا

را در برنامه و سیاست دارند، با دو رویکرد طبقاتی بورژوازی یا پرولتری به پروژه انتخابات حکومتی و کل حکومت می نگرند. نگرش بورژوازی، سرنگونی و یا برکناری حکومت اسلامی را بدون تغییری در مناسبات طبقاتی حاکم و جایگزینی آلت رناتیو خویش را در قدرت سیاسی و برای حفظ مناسبات استثماری تبلیغ می کند، برای آن می کوشد، چشم امید به دخالتگری و چرخش سرمایه جهانی به «تغییر رژیم» دارند، به قدرت های جهانی سرمایه مانند آمریکا و اسرائیل و امیران عربستان و وو دخیل بسته و می بندند. نگرش و نیروی پرولتری و انقلابی تحریم فعال را در تبلیغ و ترویج فعالانه و میدانی دیدگاه انقلابی خود، در دستور کار دارد. این نگرش، گزینه ی قدرت یابی طبقه کارگر آگاه و سازمان یافته برای انقلاب کارگری، رهبری پیشاهنگامه سازمان سیاسی و نظامی خویش در مادیت حزب کمونیست پرولتاریا می داند. نگرش تحریم فعال از سوی ما، تحریم انقلابی است، آری یا نه نیست! رفراندوم سال ۵۸ نیست! از این روی انقلابی که نفی مطلق این حکومت و مناسبات را پیش روی می گذارد، در میان توده های حکومت شونده با تمامی توان خویش، ماهیت حاکمیت سرمایه و حکومت و دولت اش را در ایران آشکار می سازد، گزینه رهایی بخش سوسیالیستی را ترویج و تبلیغ می کند، از بیان آشکار دیدگاه کمونیستی خویش هیچ هراسی ندارد، توده ها و در پیشاپیش همه، دیدگاه و اهداف طبقه کارگر را در سیاست گرای، سازمانیابی و آگاهی طبقاتی پشتیبان و نمایندگی می کند. تحریم فعال طبقه کارگر، ارگان های کارگری، فرودستان شهر و روستا، حاشیه نشینانی که ۲۵ درصد جمعیت ایران را تشکیل می دهند به حاشیه زندگی پرتاب شده اند، دستفروشان، بیکاران و زنان به خیابان های فقر و فلاکت پرتاب شده را به بایکوت انتخابات، به اعتراض و سازمانیابی برای انقلاب و تعیین سرنوشت خویش به دست خویش در حاکمیت شوراهای انقلابی فرامی خواند.

در ایران را با پارلمان های بورژوازی غرب یکسان می نمایند. هر چند ماهیت و هدف هر دو چه در غرب سرمایه و چه ایران و حفظ مناسبات سرمایه داری است. انتخابات بورژوازی بر مبنای فریب و وعده های دروغین و توهین آمیز انتخاباتی بنا شده، و بخشی از مهمترین دستگاه های اجرایی و یا قانون گذار حکومت طبقاتی و طبقه مسلط را ساختار می دهند. برای چنین نگرشی، تحریم، تا سطح رای ندادن نزول داده می شود. برای این نگرش، خاموش نشستن تا حکومت به فرمانروایی خویش و با راه کارهای خویش ادامه دهد، معنا می یابد. به بیان دیگر، تحریم، همان «نه» بزرگ برخی چپ ها نیست. با انتخابات «آری یا نه» ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۸ دو گزینه سلطنت یا حکومت اسلامی آری یا نه از سوی خمینی و شورای انقلاب اسلامی اش پیش روی جامعه و شرایط انقلابی نهاده شد. در حالیکه خمینی در همان روز ورودش در بهشت زهرا، در مخالفت با پیشنهاد برخی همراهان خود که «جمهوری دموکراتیک اسلامی» به زبان آورده بودند، اعلام کرد که: «فقط «جمهوری اسلامی»، نه یک کلمه زیاد و نه یک کلمه کم». واژه تحریم در آن رفراندوم، متاسفانه در سطح نازل شرکت نکردن دریافت شد. در آن شرایط تحریم فعال می بایستی به میان می آمد، نه شاه و نه خمینی نه سلطنت و نه حکومت اسلامی، آلت رناتیو سوم را شعار عملی خویش می ساخت. گزینه انقلابی تحریم فعال باید در آن روزهای سرنوشت ساز، خود را با تمامی توان، سازمان یافته، طبقاتی و مسلحانه پیش روی گذارده می شد. می بینیم که عدم درک درست از مفهوم ها، و وظایف طبقاتی و تاریخی، تا فاجعه ای تاریخی، ایران، منطقه خاور میانه حتا جامعه ی جهانی را به این روز ویران می افکند.

تحریم کننده فعال نیز می تواند با دو رویکرد متضاد طبقاتی با کل انتخابات، فعالانه شرکت ورزد، به میدان آید و رای دهندگان را به دیدگاه و گزینه ی خویش فراخواند. آنانی که حکومت اسلامی را مردود می شمارند و سرنگونی آن



## جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

سرمدیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هئیت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

\* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.

\* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.

\* مسئولیت مطالب جهان - نشریه است.

\* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.

\* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

تماس با  
کمیته تشکیلات دلال کشور  
حزب کمونیست ایران

h.faalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۴۵۹۷۵۲۱۵۵۱

۰۰۴۶۷۳۷۲۷۶۷۶۹

۰۰۴۶۸۷۱۰۸۵۲۵

تماس با کمیته تشکیلات  
دلال کومه له (تکشن)

takesh.komalah@gmail.com

## اطلاعیه کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران در باره تحریم و اعتراض علیه مضحکه انتخابات



نمایش انتخابات ریاست جمهوری و شوراهاى اسلامى شهر و روستا روز جمعه ۲۹ اردیبهشت، برابر با ۱۹ ماه مه، در ایران برگزار می‌شود. در این روز نه تنها در داخل کشور بلکه در محل سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور صندوق‌های اخذ نمایشی آراء مستقر می‌شود.

استقرار نمایشی صندوق‌های رای گیری در خارج از کشور در حالی صورت می‌گیرد که فعالیت احزاب سیاسی، موجودیت تشکل‌های مستقل کارگری و مدنی و حق اعتراض و اعتصاب در ایران به رسمیت شناخته نمی‌شود و پایه‌ای‌ترین حقوق کارگران، زنان، جوانان و آزادیخواهان پایمال می‌شود. در جریان این نمایش انتخاباتی مردم به جز کشانده شدن به پای صندوق‌های رای گیری نقش دیگری ندارند و آنچه از صندوق‌های رای سر در می‌آورد نتیجه رای آنها نیست.

تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران، در تداوم فعالیت‌ها و کمپین‌های اعتراضی خود در حمایت از مبارزه کارگران، زنان، جوانان، جنبش انقلابی مردم کردستان، زندانیان سیاسی و مبارزه علیه سرکوب شدید فعالین جنبش‌های رادیکال اجتماعی توسط رژیم اسلامی، مردم آزادیخواه خارج از کشور را به افشای این مضحکه و محکوم کردن جمهوری اسلامی فرا می‌خواند. در این راستا نیروهای چپ و سوسیالیست و نهادهای کارگری را به سازماندهی و برپایی اجتماعات اعتراضی در مقابل سفارتخانه‌ها و دفاتر نمایندگی رژیم اسلامی، همزمان با برگزاری مضحکه انتخابات، فرا می‌خوانیم.

کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران

۴ مه ۲۰۱۷

## کمک مالی به حزب کمونیست ایران و کومه له

اعضا، هواداران و دوستان حزب کمونیست ایران و کومه له!

مردم آزاده و مبارز!

ما برای ادامه کاری فعالیت‌هایمان به کمک مالی شما نیازمندیم! تلویزیون کومه له و حزب کمونیست ایران با پشتیبانی و کمک مالی شما قادر خواهد بود با کیفیت بهتر و در شبکه‌های قابل دسترس‌تر، فعالیت‌هایمان را در راستای اهداف سوسیالیستی برای تحقق زندگی‌ای شایسته انسان پیش ببرد!

ما را در این راه یاری رسانید و به هر طریق و شکلی که برایتان مقدور است کمک‌های مالی خود را به تشکیلات‌های ما در هر محلی که هستید برسانید.

## آدرس‌های حزب کمونیست ایران و کومه له

نمایندگی کومه له در خارج کشور

کمیته خارج کشور

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

K.K. P.O.Box75026

750 26 Uppsala - Sweden

Fax: 004686030981

representation@komalah.org

Tel: 0046 8 6030981

0046-707 254 016

kkh@cpiran.org

C.D.C.R.I. Box 2018

127 02 Skärholmen

SWEDEN

dabirxane.cpi@gmail.com

## پیام انتخابات فرانسه

عملی سازد.

ماکرون رئیس جمهور آینده عضو سابق حزب سوسیالیست فرانسه، سالها یکی از مقامات بالای وزارت مالی فرانسه، بعدها از عناصر مهم "اتاق فکر" سرمایه مالی فرانسه، جزء رؤسای مهم بنگاه مالی روتشیلد، مشاور اولاند در امور مالی و اقتصادی و بلاخره دو سال وزیر اقتصاد و صنعت او بود. او برجسته ترین نماینده جناح راست سوسیال دموکراسی فرانسه است. او مبتکر کاهش مالیاتها برای سرمایه داران معادل سی تا چهل میلیارد یورو در طول سه سال بوده است. او یکی از طراحان اصلی "رفرم بازار کار" اولاند بود. برخورد خشونت آمیز او با اتحادیه های کارگری و ناکامی های او در هدایت امور مالی، آنچنان بود که در سال ۲۰۱۶ اولاند او را تهدید به کنار گذاشتن از کابینه نمود. او پیشدستی کرده و خود از کابینه خارج شده و جنبش "به پیش" را به وجود آورد. با نگاهی به همین کارنامه کوتاه باید گفت که این تصادفی نبود که او تز دانشگاهیش را در مورد ماکیاولی نوشت و البته میدانیم ماکیاولی برجسته ترین سمبل آن سیاستی است که فاقد هرگونه اخلاق و وجدان بوده و منافع خود را بر فراز منافع عمومی جامعه دنبال می کند.

رای دهندگان فرانسوی با توهم انتخاب میان بد و بدتر، با گسیل ماکرون به کاخ الیزه سرنوشت خویش و جامعه را به اوسپردند تا پنج سال دیگر متوجه شوند انتخاب میان بد و بدتر راه حل پایان دادن به وضعیت مصیبت بارحاکم بر زندگی و معیشت آنان نیست. تازمانی که مردم دریابند که سرنوشت محتوم آنان انتخاب بین بد و بدتر نیست قادر نخواهند بود که این چرخه معیوب را از حرکت بازدارند. بخش آگاه طبقه کارگر فرانسه و کمونیست های رادیکال باید این وظیفه را به دوش بگیرند. جامعه باید درک کند که بازی در زمین بورژوازی و با ابزار بورژوازی آن میدان و ابزاری نیستند که توازن قوا میان دو طبقه متخاصم جامعه سرمایه داری را به نفع طبقه کارگر تغییر دهند. و این شاید مهمترین درس انتخابات فرانسه برای آسانی باشد که در فکر ساختن بدیلی برای نظم وارونه حاکم هستند.

برگرفته از سایت حزب کمونیست ایران ■

ملانشون کاندیدای چپ با جنبش "فرانسه تسلیم ناپذیر" نشان از این داشت که یک پتانسیل قابل توجه در جامعه جهت مبارزه برای یک بدیل دیگر موجود است. در پشت سر او بخش بزرگی از کارگران متشکل و جوانان بین ۱۸ تا ۲۴ سال قرار داشتند. اینان آن عملی را انجام دادند که میبایست میکردند، یعنی عدم شرکت در انتخابات دوره دوم. هر چند که چپ جامعه نتوانست کاندید خود را به دور دوم انتخابات بفرستد، ولی بدون تردید این شکست پرسش های آزار دهنده ای را در مقابل چپ رادیکال، در مقابل طبقه کارگر انقلابی و در مقابل جنبش های ضد راسیستی قرار میدهد که پاسخهای خویش را می طلبند.

با پیروزی ماکرون بخش اعظم سران اتحادیه اروپا احتمالاً با آرامش سربه بالین خواهند گذاشت چراکه دستکم با پیروزی وی خطر خروج فرانسه از اتحادیه اروپا را از سر بازکردند. در این میان البته سقوط حزب "سوسیالیست" فرانسه به زیر ۷ درصد دستکم آنها را برای سالهای طولانی درگیر چالشهای درونی خواهد نمود. این سقوط نتیجه همه سیاست هایی بود که اولاند و کابینه های متفاوت او علیه مزد و حقوق بگیران جامعه به پیش بردند. اولاند که با شعار مقابله با "سرمایه مالی" به ریاست جمهوری رسیده بود، تعللی به خرج نداد که یک بانکدار پیشین را به عنوان مشاور مالی و اقتصادی خویش برگزیده و سپس او را وزیر اقتصاد نماید. او که قول داده بود تا پیش از سال ۲۰۱۳ رشد بیکاری را کاهش دهد نه تنها موفق به این امر نشد و بیکاری افزایش پیدا کرد بلکه با طرح "رفورم بازار کار" هجوم وحشیانه ای را به کارگران سازمان داد. در مرکز این تهاجم افزایش ساعات کار و افزایش سن بازنشستگی قرار داشت که با اعتراضات میلیونی و متداوم اتحادیه های کارگری، دانش آموزان و دانشجویان و اقشار مختلف مردم روبرو گشت. این تهاجم آنچنان بی رحمانه بود که حزب سوسیالیست فرانسه را دو تکه نموده و نمایندگان جناح چپ آن در پارلمان از رای دادن به طرح او خودداری کردند. اولاند مجبور گشت باتکیه به ماده ۴۹ قانون اساسی که حقوق ویژه ای به نخست وزیر میدهد، طرح خود را

رای دهندگان فرانسوی روز یکشنبه در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری به پای صندوق های رای رفتند و آن کاری را کردند که بورژوازی در همه کشورها از شهروندان انتظار دارد. هر چهار یا پنج سال یکبار به پای صندوق های رای بروند و از میان حاکمین فردی را انتخاب کنند تا سرنوشت یک دوره از زندگی خود را به دست او بسپارند و امید واهی داشته باشند که این بخش از فراکسیون بورژوازی به مطالبات آنان پاسخ دهد. مطالباتی که سالهای متوالی بر روی هم انباشته شده اند و فراکسیون های مختلف بورژوازی پاسخی به آن نداده اند.

رای دهندگان فرانسوی به پای صندوق های رای رفتند و از میان بد و بدتر یکی را انتخاب کردند و در این رهگذر وفاداری خود را به سنتی اعلام کردند که ایدولوگهای بورژوازی و مدیای وابسته به آنان در یک فریب عمومی به مردم باورانده اند که پاسخ مطالباتشان را از درون صندوق های رای و فرستادن امانوئل ماکرون و یا ماری لوپن به کاخ الیزه دریافت خواهند کرد.

زمانی که این دو با پایان دوره اول انتخابات به دور دوم راه یافتند نه تنها در فرانسه که در سرتاسر اروپا هوادارانشان به رقص و پایکوبی پرداختند. ماکرون ستاره جدید در آسمان نئو لیبرالیزم اروپا با بیست و چهار و یکصدم آرا و ماری لوپن کاندیدای حزب راسیستی جبهه ملی فرانسه با بیست و یک و چهل و سه دهم در صد آرا به دور دوم راه یافته بودند. راه یافتن این دو به دور دوم انتخابات برای فرانسه کمتر از یک زمین لرزه نبود "حزب جمهوری خواه" و "حزب سوسیالیست" که متناوباً و بی وقفه از زمان ایجاد جمهوری پنجم در سال ۱۹۵۸ وارد کاخ الیزه میشدند، حتی به دوره دوم نیز راه نیافتند. اکنون "جبهه ملی" فرانسه انتقام خود را از آنان گرفته بود چرا که در سال ۲۰۰۲ نیز در رقابت انتخاباتی ژاک شیراک از جمهوری خواهان و ژان مارین لوپن بنیانگذار جبهه ملی دو حزب فوق در یک جبهه متحد قرار گرفته و ژان ماری لوپن را شکست دادند و البته نباید فراموش کرد که همین ها جاده صاف کن رشد جبهه ملی شدند.

کسب بیش از ۱۹ درصد آرا توسط ژان لوک